

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۳ اسفند ۱۳۷۳ - ۲۲ فوریه ۱۹۹۵ - دوره سوم - شماره ۱۰۳

KAR, No. 103, Wednesday 22 Feb 1995

ظهور يك نیروی بنیاد گرای تازه در افغانستان
پیشروی های نظامی "طالبان"
در افغانستان

در صفحه ۱۲

کیهان انگلیسی:

دولت رفسنجانی بر کاغذی است

ندارد. اقتصاد یک کشور محروم اصلی فعالیت های آن است و به نظر می رسد مملکت از این لحاظ راه صحیحی را در پیش نگرفته است. بطور کلی به استثنای چند صد نفر از نخبگان کشور، مردم عموماً در مورد سلامت اقتصادی کشور بیگانه هستند، تقریباً تمام کسانی که مزد ثابت می گیرند، به هنگام خرید، حتی برای اقلام روزمره خود، لریزه بر اندام خود احساس می کنند، چرا که بهای بعضی اقلام طی فقط ۱۲ ساعت تاسه برابر افزایش می یابد. مسلمان وضعیت خارج از کنترل ادامه در صفحه ۷

ریال هر لحظه بیشتر سقوط می کند

در هفته گذشته ارزش ریال به شدت کاهش یافت. روز ۲۵ بهمن، نرخ دلار آمریکا برای نخستین بار از مرز ۴۰۰ تومان گذشت و به ۴۰۵ تومان رسید و بدین ترتیب، طرف سه هفته، ۱۷ درصد ارزش واحد پول ایران کاسته شد. همزمان با این کاهش، بهای سکه بهار آزادی نیز که ۶/۶۶ گرم طلای عیار ۲۲ دارد، با سه ادامه در صفحه ۳

تهران زیر فشار چند سویه بین المللی

- رئیس کنگره آمریکا از دولت خواست جمهوری اسلامی را برفا کند
- صدراعظم آلمان دوری از جمهوری اسلامی را اعلام کرد.
- دانمارک با سفر رفسنجانی به کپنهاگ مخالفت کرد.

ایران نظر داشتند، اما هفته گذشته صدراعظم آلمان فدرال طی دیدار با سران آمریکا در واشنگتن ضمن تاکید بر دوری از روش "دیالوگ" انتقاد آمیز اعلام کرد که آلمان در حال تغییر مشی خود با جمهوری اسلامی است.

حکومت بنیاد گرایان
با ید برفاکنده شود

"نوت گین گریچ" رئیس مجلس نمایندگان آمریکا که به تازگی پس از پیروزی چشمگیر جمهوریخواهان بر کرسی ریاست کنگره نشسته است، طی یک سخنرانی، بنیاد گرای اسلامی را خطری مهم برای جامعه بین المللی خواند و از دولت آمریکا خواست که تغییر رژیم بنیاد گرای اسلامی را در برنامه دراز مدت خود جای دهد. "گین گری" که در واشنگتن در جمع افسران اطلاعاتی و امنیتی آمریکا سخن می گفت بر لزوم حمایت علنی و بهره گیری از ابزار ۶۰ میلیونی

در حالی که در تهران هاشمی رفسنجانی از احتمال سفر قریب الوقوع به دانمارک و نرمش بیشتر نمایندگان جدید مجلس آمریکا دلخوش بود، "گین گریچ" رئیس کنگره آمریکا در یک سخنرانی شدیداللحن از دولت بیل کلینتون خواست که در دراز مدت برای برفاکندن رژیم جمهوری اسلامی تلاش کند.

طی دو هفته گذشته روابط خارجی جمهوری اسلامی با موانع بی سابقه ای مواجه شد. برای نخستین بار رهبران اکثر کشورهای مهم اروپا به طور هماهنگ برفشار قاطع تر علیه حکومت اسلامی و بنیادگرایی تاکید کردند. دولت سوئد در یک اقدام عملی با سفر واعظی معاون وزیر امور خارجه رژیم به استکهلم که برنامه آن از پیش تعیین شده بود، مخالفت کرد. سفر رفسنجانی به کپنهاگ لغو شد، نمایندگان پارلمان دانمارک ضمن اعتراض به دیدار وزیر امور خارجه این کشور با واعظی، حاضر به پذیرش وی نشدند و اظهار کردند که ملاقات با فرستاده رژیمی که به هیتلر می ماند، برای آنان شرم آور است. نروژ سفیر خود را از تهران فراخواند، دولت آلمان فدرال بزرگترین طرف

به یاد خسرو و کرامت
دفاع ماجز دفاع از
حقوق توده های
مردم نیست

در صفحه ۹

سینمای ایران:
تنفس

در فضای محدود

در صفحه ۶

هیچ عرصه
جامعه ایران
از عواقب

بحران اقتصادی
در امان نیست

در صفحه ۵

وزارت ارشاد
روزنامه جهان اسلام
را تعطیل کرد

فشار برای بستن روزنامه "همشهری" افزایش یافته است. روزنامه سلام خیر داد که از سوی مدیر کل مطبوعات داخلی وزارت ارشاد اسلامی آزادانه چاپ و انتشار روزنامه "جهان اسلام" جلوگیری بعمل آمده است. به نوشته این روزنامه وزارت ارشاد چهارشنبه دو هفته قبل به چاپخانه "چاپ گستر" اعلام نمود که: "به استناد بند ه ماده قانون مطبوعات کشور از چاپ، عرضه و توزیع روزنامه جهان اسلام خودداری فرمائید". این روزنامه نوشت که: "گفته میشود علت این تصمیم اداره مطبوعات داخلی وزارت ارشاد، به خاطر درج مصاحبه با حاجت الاسلام محتشمی و چاپ مطلبی در مورد جریان لاکربی می باشد. روزنامه "جهان اسلام" به مدیریت سید هادی خامنه ای (برادر علی خامنه ای) از خرداد ماه سال ۷۰ انتشار یافت. چند روز بعد از تعطیلی این روزنامه، مدیر کل مطبوعات داخلی لغو امتیاز آن را اعلام کرد و گفت علت این اقدام نقض بندهای ۵، ۷، ۸ از ماده شش قانون مطبوعات توسط "جهان اسلام" است. وی در این مصاحبه هیچگونه توضیحی در مورد اینکه آیا طبق قانون مطبوعات پرونده مطبوعاتی این روزنامه به دادگاه ارسال و یا حضور هیئت منصفه رسیدگی میشود، نداد. بندهای فوق در رابطه با "تحریر و تسویق افراد و گروهها به ارتکاب

ادامه در صفحه ۲

"مقام امنیتی" دم از آزادی و دموکراسی می زند!

برانداز "نباشند، می توانند آزادانه به کشور تردد داشته باشند". حرف های "مقام امنیتی" تازگی چندانی ندارد. پیش از این نیز رفسنجانی و خود وزیر اطلاعات رژیم برای هویت ایرانی هموطنان مقیم خارج آشک تماشای ریخته اند و آنان را تحت شرایطی که در مصاحبه موسوی نژاد نیز تشریح شده، به مراجعت دائم یا حداقل رفت و آمد به ایران دعوت کرده اند. مقامات رژیم به خوبی می دانند که ویژه در شرایط کنونی که شاهد موج جدیدی از مهاجرت از ایران به خارج از کشوریم، بسیاری از مهاجرینی نیز که در سال های گذشته به فکر مراجعت بوده اند، یا در تصمیم خود تجدید نظر کرده اند و یا در اجرای این تصمیم با چنان کوهی از مشکلات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مواجهند که مصاحبه های اینچنینی تا نیری در انتخابی که می کنند ندارد. امثال "مقام امنیتی" که به بهای اختصاص

ادامه در صفحه ۳

تهران اطمینان می دهد، اما جهان بیمناک است

قدر به تولید پلوتونیوم جهت استفاده تسلیحاتی نیست. در اینجا و آنجا دولت ایران عنوان داشته است که تکنولوژی هسته ای را تنها جهت استفاده صنعتی و صلح آمیز بکار خواهد گرفت. بر پایه این استدلال، روسیه موضع خود را برای این همکاری اتمی غیر قابل تغییری می داند و به فشارهای غرب توجه آنچنانی نمی دارد، مسکو فروش راکتورهای است که گویا راکتور نیروگاه بوشهر

روزنامه اطلاعات مخصوص خارج از کشور که از سوی رژیم جمهوری اسلامی وظیفه برقراری ارتباط با ایرانیان مهاجر را بر عهده دارد، در شماره ۲۱ بهمن خود مصاحبه ای با مدیر کل امنیت داخلی وزارت اطلاعات که با نام موسوی نژاد معرفی شده، به چاپ رسانده است. مخاطب "مقام امنیتی" در این مصاحبه، جامعه ایرانی مقیم کشورهای غربی است که جمهوری اسلامی مدت ها است می کوشد بین آن و اپوزسیون، فاصله ایجاد کند. اظهارات مدیر کل امنیت داخلی دستگاه اطلاعاتی رژیم نیز، تلاشی در همین راستاست. موسوی نژاد از تریبون روزنامه ای که در این وانفسای بی پولی جمهوری اسلامی، با سرمایه گذاری کلان ارزی راه اندازی شده، به طور مفصل و مکرر به ایرانیان مقیم خارج از کشور می گوید اگر "سرنوشتشان" را با گروه های سیاسی گره زنند و نیروی

ادامه در صفحه ۲

آیا غرب علیه جمهوری اسلامی
هماهنگ می شود؟

اظهارات تند و مواضع اقدامات تعدادی از کشورهای غربی نسبت به جمهوری اسلامی در هفته های اخیر بار دیگر این سوال را مطرح کرده است که سیاست واقعی غرب در قبال جمهوری اسلامی چیست و آیا غرب در حال نزد یک شدن به سیاستی واحد در قبال حکومت اسلامی است؟ اگر پاسخ به این سوال مثبت است، این سیاست هماهنگ چه پیامدهایی می تواند برای حکومت ایران داشته باشد؟ تا آنجا که به مواضع رسمی کاخ سفید مربوط می شود، به نظر نمی رسد آمریکا حداقل در کوتاه مدت در صدد مقابله کامل با حکومت تهران باشد و فشار برای عقب نشاندن جمهوری اسلامی از مواضع آن، کماکان الویت نخست سیاست آمریکا در برابر جمهوری اسلامی را تشکیل می دهد. هنوز دلیلی در دست نیست که این سیاست، که در گزارش اخیر وزارت خارجه آمریکا درباره مجاهدین تصریح شد، تغییر یافته باشد. با این حال اظهارات اخیر رئیس مجلس نمایندگان آمریکا در مورد ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی را می توان نشانه ای دانست که فشار واشنگتن بر تهران بیشتر می شود. این فشار در اساس متوجه مجبور کردن جمهوری اسلامی به تغییر سیاست های خود در عرصه های زیر است: صدور انقلاب اسلامی و حمایت از گروه های تروریستی بنیادگرا، تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی، کارشکنی در روند صلح خاورمیانه و نقض حقوق بشر در ایران.

آنچه که به ویژه مورد نگرانی و ناخشنودی آمریکاست ادامه سیاست حمایت از تروریسم و مخالفت با صلح در خاورمیانه است. حقوق بشر، صدور انقلاب اسلامی و تلاش های جمهوری اسلامی برای دست یابی به سلاح اتمی، بیشتر به عنوان وسیله های فشار برای رام کردن "به کار رفته اند. آمریکا تا کنون در همدستان ساختن اروپا یا این سیاست موفقیت چندانی نداشته است. آلمان، فرانسه و تا حدودی ژاپن، علیرغم اعتراضات و فشارهای مکرر آمریکا راه خود را رفته اند و حتی از همکاری های اطلاعاتی و امنیتی با جمهوری اسلامی و عفو آزادی تروریست ها امتناع نکرده اند. اما به نظر می رسد در هفته های اخیر و همزمان با تند شدن لحن آمریکا نسبت به حکومت اسلامی، سیاست دوستی و مماشات این دول با جمهوری اسلامی نیز دچار تغییراتی شده است. اظهارات هلموت کهل صدراعظم آلمان در جریان دیدار خود با کلینتون، مبنی بر کاهش سطح همکاری های آلمان - بزرگترین شریک تجاری حکومت اسلامی با ایران و تعلل و تردید ژاپن در پرداخت باقی مانده وام دو میلیارد دلاری به تهران، از نشانه های این تغییر سیاست به شمار می روند. همزمان با این، دولت های اسکاندیناوی با جمهوری اسلامی درگیری و چالش تازه ای را آغاز کرده اند و در سطح منطقه نیز

ادامه در صفحه ۲

توضیح

شماره آینده نشریه "کار"، که شماره ویژه نوروز ۱۳۷۳ خواهد بود، به جای ۱۷ اسفند ماه ۱۳۷۳ (۸ مارس ۱۹۹۵) در تاریخ ۲۴ اسفند (۱۵ مارس) منتشر خواهد شد.

زمینه سازی برای یک انتخابات فرمایشی

حکومت روزنامه جهان اسلام را تعطیل کرد. علت این اقدام هر چند رسماً اعلام نشده است، اما به نوشته برخی مطبوعات تهران، اتهام قدیمی و همیشگی تحریر و تشویق افراد و گروهها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی، آهانته به دین اسلام و مقدسات آن و همچنین آهانته به مقام رهبری بوده است. این اتهامات نشانه آن است که تعطیل روزنامه جهان اسلام دلایل آشکار سیاسی داشته است.

روزنامه جهان اسلام نیز مانند روزنامه سلام، متعلق به نیروهای موسوم به خط امام است. زمانیکه این جریان تحت فشار قرار گرفت و دست اندرکاران آن دریافتند که از قدرت رانده خواهند شد، لذا برای تأمین حضور خود امتیاز انتشار دو روزنامه مذکور را از وزارت ارشاد اسلامی، که هنوز در دست آنها بود، اخذ کردند. جهان اسلام هر چند به اندازه سلام در میان نیروهای خط امامی محبوبیت نیافت، اما همراه با این روزنامه موضعی انتقادی نسبت به جریان حاکم در پیش گرفت.

رژیم با تعطیل جهان اسلام مثل همیشه نشان داد که تحمل انتقاد، حتی از جانب خودی هار ندارد. اما علاوه بر این، اتخاذ این تصمیم و شدت عملی که پیاند حاکم در این مورد نشان داده است، دلایل معینی دارد. شدت عمل در آنجاست که نه تنها این روزنامه را بسته اند بلکه امتیاز آن را برای همیشه لغو کرده اند. به گفته هادی خامنه ای، تا به حال در جمهوری اسلامی سابقه نداشته است که امتیاز یک روزنامه به طور دائم و برای همیشه لغو شود، اما امتیاز جهان اسلام برای همیشه لغو شده و نتیجه آنکه، تعطیل این روزنامه تنها یک "گوشمالی رایج در جمهوری اسلامی نبوده و یک تصمیم جدی برای محدود کردن بازهم بیشتر مخالفین داخلی حکومت است. جهان اسلام را در شرایطی بسته اند که جناح های حکومتی برای انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی و متعاقب آن انتخابات ریاست جمهوری آماده می شوند. تعطیل جهان اسلام هشدار است به منتقدین داخلی که در انتخابات آینده از آزادی عمل برخوردار نخواهند بود. این هشدار تنها به تعطیل این نشریه محدود نیست، روزنامه عمده دیگر این منتقدین یعنی سلام را نیز عملاً محدود کرده و تحت فشار قرار داده اند. این روزنامه به دلایلی که خود آنها را دلایل سیاسی و اقتصادی اعلام کرده مدتی است که تنها در ۸ صفحه انتشار می یابد. فشار بر روزنامه همشهری نیز که با باند حاکم رسانی ناسازگار است، افزایش یافته است.

فشار بر روزنامه های منتقدی که به جناح های حکومتی وابسته اند، در عین حال جزئی از فشارهای عمومی برای خاموش کردن صدای نشریات مستقل است. این فشار با استفاده از اهرم های مختلف و ویژه اهرم اقتصادی ادامه دارد. اکثر این مطبوعات با تحمل زیان های مالی انتشار می یابند و نمی توانند به موقع منتشر شوند.

جناح رسالت که مواضع اصلی را در حکومت به دست آورده است، آشکار و پنهان عامل و پیشبرنده اصلی سیاست سرکوب نشریات مستقل و منتقد است، این جریان در این تلاش سرکوبگرانه از حمایت و هم داستانی روزنامه های کیهان و جمهوری اسلامی که هر کدام به جناحی از حکومت وابسته اند، برخوردار است.

مبارزه برای بقای مطبوعات مستقل و منتقد و تأمین شرایط آزادانه انتشار آنها، بدو روزنامه های سیاسی و اقتصادی، جنبه مهمی از مبارزه در راه آزادی و دموکراسی در ایران است. این خواست اکنون نیروی وسیعی را گرد آورده است و از همین رو کار حکومتیان برای خاموش کردن صدای مطبوعات مستقل و منتقد آسان نیست و روز به روز هم دشوارتر می شود و نیروی مخالف بیشتری را پدید می آورد. در طی چند سال اخیر حول این مطبوعات نیروهای وسیع روشنفکری کشور گرد آمده اند و با جنگ و دندان از ادامه حیات این نشریات دفاع می کنند. یورش حکومت به مطبوعات با مقاومت گسترده ای از سوی جامعه روشنفکری ایران و سازمان های سیاسی روبروست و از حمایت های وسیع مجامع بین المللی برخوردار می باشد.

ما از این مبارزه همواره حمایت کرده ایم و می کنیم و تعطیل هر نشریه ای را به ضرر این مبارزه می دانیم. از همین روست که تعطیل روزنامه "جهان اسلام" را نیز صرف نظر از مواضع آن، شدیداً محکوم می نمایم.

وزارت ارشاد روزنامه...

ادامه از صفحه ۱

اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی و آهانته به دین اسلام و مقدسات آن و هم چنین آهانته به مقام رهبری و افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و هر یک از افراد کشور است.

روزنامه رسالت ارگان جناح رسالت در مطلبی علت تعطیلی روزنامه را به درج موضوعات جنجالی به دلیل کمبود کاغذ و مشکلات مالی نسبت داد. اما یکی از اعضای شورای سردبیری روزنامه جهان اسلام در تماس تلفنی با روزنامه سلام، اظهار داشت که این روزنامه به هیچ وجه دچار کمبود کاغذ نمی باشد و اکنون حدود ۳۰۰ تن کاغذ در انبارهایش موجود است. وی اضافه نمود که روزنامه جهان اسلام تا این لحظه هیچگونه اعلام نظر رسمی در مورد لغو امتیاز این روزنامه دریافت ننموده است و

حزب ملت ایران: برای رسیدن به زیست آزاد در میهنی آباد باید یکدل شد

سایمانی مردم سالارانه برپا کرد و حاکمیت ملی را زنده داشت. در پی انتشار این بیانیه آقای داریوش فروهر در مصاحبه هایی که با رادیو بی بی سی و بخش فارسی رادیو بین المللی فرانسه بعمل آورد به توضیح این بیانیه پرداخت و گفت این بیانیه یک فراخوان عام برای همه سازمان های سیاسی مخالف رژیم در داخل و خارج است. آقای فروهر گفت: برای روبرویی با یک تازی و برای رسیدن به مردم سالاری نیاز به همبستگی ملی است.

رسیدن به زیست آزاد در میهنی آباد از خویشتن پدر گردید و همه با هم در گذاری آرام مردم سالاری را هدف گرفت و پیش شرط های بایسته ی انجام انتخاباتی را که تجلی بخش اراده ی ملت باشد، روشن کرد.

تنها در پرتو همبستگی همگانی است که می توان بی هیچ سازش و دلیرانه با بیشترین فشار سیاسی از راه های گوناگون، سردمداران جمهوری اسلامی را وادار به ترک قلدری و انجام انتخابات آزاد نمود و

فرمانروایی کشور را با چنان واپسگرایی نیندند که سخت با فرهنگ ملی جویشده از پیوند ایرانیگری و اسلام باوری بیگانه بود و بساط یک تازی رانیز به شکل تازه ای در این سرزمین گسترده اند...

آنچه زیر نام جمهوری اسلامی با قانون اساسی بر تقصیری بر انقلاب بار شد، کارمایه ی سازندگی آنرا به هدر داد و نتوانست هیچ دگرگونی ریشه داری در رابطه های اقتصادی و اجتماعی و هیچ نوآوری سیاسی و پویایی فرهنگی پدید آورد و فرصتهای تاریخی بسیاری را هم از میان برد.

در ادامه بیانیه حزب ملت ایران آمده است: زهی دریغ که با همه ی خشم و پر خاش پدید آمده در توده ی مردم زشت کردار پهلای زمامداران و آمادگی آنان برای درهم نوردیدن تومار خود کامگی، نخبگان گروه های اجتماعی و حزب های پیشینه دار و نوپا در درون و بیرون از کشور از پویایی بسنده برخوردار نیستند و تاکنون نتوانسته اند اختلاف دیدگاه ها را کنار بگذارند و به اتحاد بزرگ روی آورند. وانگهی هنوز هستند چهره ها و جمعیت های سردرگمی که به جناح بندی های درونی بر کرسی قدرت نشستگان دل خوش داشته و بنحوی شک برانگیزی، هر گونه کوشش سیاسی برای کاستن از اختناق را تنها در چارچوبه ی قانون ها و قرار و مدارهای انحصارگرانه ی جمهوری اسلامی توصیه می کنند. نگاهی کوتاه به سیر راهی ملت از سطره ی بسنده، نشان می دهد: همه ی دگرگونی های زندگی ساز و همه جا با درخواست مردم سالاری به عنوان

تشیخ ضحوی درست کشورداری همراه بوده است که جز با پرگزاری یک گزینش ملی نمی توان به آن دست یافت.

در هنگامه ی اضطراب آمیز کنونی، درنگ بیش از این روا نیست باید بار دیگر یکدل شد و برای

بمناسب سالروز انقلاب بهمن ۵۷ حزب ملت ایران در بیانیه ای همه اقشار مردم و سازمانهای سیاسی مخالف رژیم اسلامی را به اتحاد با یکدیگر برای پایان دادن به اختناق رژیم اسلامی و نجات کشور از ورطه سقوط و تلاش از طریق برپائی انتخابات آزاد دعوت کرد. در این بیانیه که در تهران انتشار یافت، آمده است:

شانزده سال پیش در چنین روزی، روز بزرگ سرنوشت، روز نمایش با شکوه همبستگی ملی، روز تاراندن نیروهای اهریمنی از میهن، روز بسته شدن بخش تاریکی از تاریخ و گشودن دفتری نو که هر برگ آن با خون بهترین فرزندان این نیا خاک گلگون شده بود، در دل یکایک ایرانیان چه آرزوهای شیرینی جوانه می زد. آن روز در پی سالیان دراز بیچارگی خستگی ناپذیر در راستای پیشروندگی ملی، با چراغ اندیشه های گوناگون باور داشتیم که برتری نام یک تازی چیره شده ایم و فردای روشنی در انتظار ایران زمین است، اینکه به جای آنهمه شورمندی، ناکامیهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جوانان معاک مرگ کام گشوده و امیدها در زیر آوار شانزده سال سرکوبگری دفن شده است.

انقلاب بیست و دوم بهمن یکپهراور و سیصد و پنجاه و هفت به سبب بست بنیادی بر کرسی قدرت نشستگان و بی بهره بودن آنان از هر پایگاهی در میان مردم با تلاش همه جانبه ی انبوهی از گروههای اجتماعی گوناگون تا اندازه ای آسان به پیروزی رسید و سازمان رهبری در خوری هم که در کوره ی درگیریها گداخته و هماهنگ شد، نیافت و با دریغ به زودی مورد دستبرد شماری از خوشه چینان خود جلوانداخته قرار گرفت... این از گرد راه رسیدگان با ترفند باورهای دینی مردم را پشتوانه ی قدرت نمایی کردند و با درهم شکستن جدول ارزشهای انقلاب، سامان

مراسم دهه ی "فجر": پرزرق و برق، اما بی رونق تر از همیشه

اقتصادی و افزایش شدید فاصله طبقاتی در کشور اظهار داشت که مردم امروز شاهدند که کشور در عرض چند سال گذشته عمیقاً متحول شده و مخروطه ها به گلستان تبدیل شده است.

اقدامات نمایشی بسیاری به مناسبت دهه ی فجر صورت گرفت. در ساعت ۹/۳۳ دقیقه ی روز ۱۲ بهمن سالگرد لحظه ای که خمینی از هواپیما پیاده شد، زنگ های مدارس کشور بصدادرآمدند، روز ۲۲ بهمن در مسیر حرکت خمینی از فرودگاه به بهشت زهرا با هلی کوپتر گل ریختند. در این روز بان بزرگی با تصویر خمینی در بالای سر راهپیمایان در پرواز بود و چتر بانان عملیات پرش انجام دادند.

رژیم امسال از مهمانان و خبرنگاران خارجی برای شرکت در مراسم دعوت به عمل نیآورده بود. مسئولان حکومتی صرفه جویی در هزینه ها و شناخت کافی مردم جهان از ماهیت رژیم را دلیل عدم دعوت از مهمانان خارجی ذکر کردند. آنان در این باره که چرا جمعیت کمی در مراسم شرکت کردند نیز سکوت کردند، اما مطبوعات حکومتی با اعتراف به این موضوع همزمانی ماه رمضان را دلیل عدم استقبال مردم دانستند.

مراسم دهه ی "فجر" امسال آینه ی تمام نمای از موقعیت کنونی مناسبات حکومتیان و طرفدارانشان بود. با وجود بسیج همگانی تمام دستگاه های دولتی و نیمه دولتی برای کشاندن مردم به "صحنه با بکارگیری انواع ترفندها و به رغم تبلیغات وسیع رسانه های گروهی از مدتها پیش تعداد شرکت کنندگان در مراسم تعیین شده بطور بی سابقه ای کاهش یافته بود. مراسم دهه ی "فجر" با حضور احمد خمینی بر سر گور پدرش آغاز شد، در ادامه خامنه ای خطبه های اولین نماز جمعه ی این دهه را خواند و در پایان رفسنجانی در راهپیمایی ۲۲ بهمن سخنرانی کرد. فصل مشترک سخنان هر سه ی آنان حمله به رژیم پیشین و حکومت آمریکا بود. در ارتباط با مشکلات مردم، احمد خمینی با ذکر اینکه "هیچکس نیست که نداند مردم در سختی و فشار هستند" آنها را به صبر و اتکا به خداوند "فراخواند. خامنه ای از پرداختن به مشکلات مردم در خطبه های پیش طفره رفت و رفسنجانی به روال همیشگی اش از "دست آوردها" سخن گفت. وی بدون اشاره به نابودی تعدادی از استان های کشور بر اثر جنگ خانمانسوز و ویرانی روستاهای کشور بر اثر سیاست های نادرست

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از هر کوششی برای همگامی و همبستگی نیروهای طرفدار دموکراسی حمایت می کنیم

حزب ملت ایران در سالگرد انقلاب بهمن ۵۷، با صدور بیانیه ای، همه آحاد مردم و نیروهای سیاسی مخالف رژیم اسلامی در داخل و خارج را به اتحاد برای تشدید فشار علیه حکام مستبد جمهوری اسلامی فراخوانده است. این بیانیه با اشاره به بحران دهشتناکی که کشور را فرا گرفته، راه نجات میهن را استقرار نظامی مردم سالار از طریق انتخابات آزاد اعلام کرده است.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که معتقد بر لزوم جایگزینی جمهوری اسلامی با نظامی دموکراتیک است و برای شکل گیری جبهه ای از نیروهای جمهوریخواه و دموکرات می کوشد، از این بیانیه و از فراخوان آن به همگامی و همبستگی همه نیروهای طالب مردم سالاری در ایران، پشتیبانی می کند. ما بارها گفته ایم که نجات از گرداب هولناکی که استبداد، فساد و بی کفایتی زمامداران جمهوری اسلامی کشور ما را بدان سوق داده است تنها با استقرار یک نظام دموکراتیک و مردم سالار میسر است، که زمینه را برای مشارکت همه آحاد ملت با هر اعتقاد اندیشه در سازندگی کشور فراهم آورد. احساس مسئولیت در برابر آینده مردم و میهن حکم می کند که چنین تحولی را و به اتکاء آراء مردم در یک انتخابات واقعا آزاد تحقق پذیرد. تشریک مساعی و هماهنگی همه نیروهای سیاسی متعهد به دموکراسی در داخل و خارج کشور با اتکاء به یکپارچگی مردم در مبارزه علیه استبداد و اختناق، شأنس دستیابی کم درد تر ایران به دموکراسی و قانونیت را افزایش می دهد. ما در این راه می کوشیم و از هر تلاشی در این راستا حمایت می کنیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یکشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۷۳

آیا غرب علیه جمهوری اسلامی

ادامه از صفحه ۱

کشورهای عربی یا پشتیبانی مجدد از ادعای امارات متحده نسبت به سه جزیره ایرانی خلیج فارس، بر فشار بر حکومت اسلامی افزوده اند.

فشار خارجی بر جمهوری اسلامی در زمانی تشدید شده است که این رژیم به عنوان یک عامل عمده دشواری های پدید آمده در مذاکرات صلح خاورمیانه معرفی می شود. آمریکا، اسرائیل و کشورهای اروپایی که در پیشبرد این مذاکرات و به سرانجام رساندن روند صلح خاورمیانه دلایل کافی دارند، نمی توانند بیش از این شاهد خرابکاری های آشکار و پنهان حکومت تهران در این روند و همچنین پروبال دادن به سایر گروههای بنیادگرا در کشورهای اسلامی و عربی باشند. سیاست خاورمیانه ای جمهوری اسلامی خود دلیل محکم است در یک کاسه کردن فشار مجموعه کشورهای غربی علیه حکومت تهران.

در زمینه داخلی نیز وضع اقتصادی و اجتماعی با سرعت قابل توجهی به وخامت می گراید و هر امید برای اصلاح امور از بین می رود. جمهوری اسلامی بیش از پیش به شریک اقتصادی و تجاری نامطمئن و ورشکسته ای تبدیل می شود که سود معامله با آن در برابر سواپی همدستی با آن رنگ می یابد. کاهش چشمگیر حجم صادرات آلمان و ژاپن به جمهوری اسلامی و بی ثباتی اقتصادی و اجتماعی و آینده نامطمئن حکومت، می تواند از انگیزه های قوی ای باشد که کشورهای نظیر آلمان و ژاپن را که تاکنون همواره از رابطه حسنه با حکومت تهران دفاع کرده اند، به نزدیکی بیشتری با سیاست آمریکا راغب سازد.

با این حال تجربه نشان داده است که اظهار نظرات تند و خصمانه مقامات غربی همواره به سیاست عملی این کشورها در برابر جمهوری اسلامی تبدیل نمی شود و هنوز نمی توان از پدید آمدن یک سیاست هماهنگ و عملی در غرب در جهت فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی سخن گفت. اما اگر بر اثر ماجراجویی های تروریستی و بنیادگرایانه جمهوری اسلامی در سیاست خارجی و تشدید وخامت اوضاع داخل کشور، این فشارها هماهنگ و تشدید شود، بدون تردید حکومت اسلامی را دچار مخمصه بازم یزگتری خواهد کرد.

بنا به تجربه بر ما ثابت شده که در فشارهای غرب علیه جمهوری اسلامی توجه به حقوق و آزادی های پایمال شده ایرانیان جایگاه در خورتوجهی ندارد با این همه چنانکه بارها گفته ایم چنانکه این فشارها نه متوجه مردم ما و منافع ملی ما که متوجه تضعیف رژیم اسلامی و مهار تروریسم و بنیادگرایی اسلامی و وادار ساختن حکومت تهران به تمکین به موازین و مقررات شناخته شده بین المللی باشد، مورد حمایت همه میهن دوستان و آزاد یخواهان ایران نیز است.

چه کسی گوش و دماغ می‌برد؟

ادامه از صفحه ۱

دیگر آشکاراست که در این اواخر گروهی از سلطنت طلبان راست‌گرای افراطی تصور کرده‌اند که گذشت ۱۶ سال از سقوط رژیم شاه‌نه تنها برای پاک شدن حافظه مردم از خاطره جنایات ساواک کافی است، بلکه زمان آنست که پرونده آنهمه جنایت هولناک با تدرستی زیربغل قربانیان آن جا داده شود. اینکه رژیم کنونی در آدم‌کشی به هریکانه ضد بارماهرتر از رژیم شاه از آب درآمدند نیز وسیله مناسبی شده است که شاهپرستان حتی جرئت کنند در دفاع از جنایات ساواک کتاب منتشر کنند و مردم را به «دوری» فراخوانند و نشریه متمایل به خود، کیهان لندن، را نیز وسیله تبلیغ و فروش آن سازند.

نه ما و نه هیچ نیروی مدافع دمکراسی برای ایران نمی‌گوئیم و نخواهیم گفت آن آقای تیمسار معاون سابق ساواک حق ندارد کتاب بنویسد و یا کیهان لندن حق تبلیغ آن کتاب را ندارد. حتی اگر آنها در این کتاب قربانیان جنایت، یعنی چپ و ملیون را مسئول جنایات خود معرفی کنند، اما نه ما و نه هیچ نیروی خواهان آزادی نه به کیهان لندن نویسان و نه به هیچ کس دیگر حق نمی‌دهیم بسان کیهان تهران نویسان جعل و دروغ را از سرخود سرهمبندی و به خورد مردم دهند.

کیهان لندن در گزارشی سراپا تحریف شده و غرض آلود پیرامون کنفرانس‌های اول تا چهارم فوریه در دانشگاه لندن که به همت انجمن پژوهشگران ایران برگزار شد، از جانب حاضرین در کنفرانس به ما اتهام زده شده است که شما در کشتارهای سالهای اول انقلاب دست داشتید، شما در همان حال و هوای سالهای اول انقلابید که گردن می‌زدید و گوش و دماغ می‌بریدید.

اگر گردانندگان این نشریه در مقابل دروغ پردازی و پرونده سازی آشکاری که در صفحات آن صورت گرفته مایل به دفاع از حیثیت خود باشند: «اولاً گردانندگان این نشریه باید رسماً اعلام کنند که مضمون آنچه که از سری گزارشیگران این نشریه از قول حاضران در جلسه جعل شده دروغ و اتهام محض و عاری از حقیقت است. فدائیان خلق را تا امروز هیچکس، حتی کینه توزترین دشمنان آنان نیز، به گردن زدن و گوش و دماغ بریدن متهم نکرده‌اند و هرگز هیچ شاهد سندی، جز آثار زنده شکنجه‌های هولناک عوامل شاه و خمینی به تن‌های صدها تن از آنان بدست هیچ کس نخواهد افتاد. گردانندگان کیهان لندن به خاطر جعل این دروغ ضعیف باید رسماً از خوانندگان خویش بپوزش بخواهند.

ثانیاً گردانندگان این نشریه کیهان لندن اگر منظور که اعلام می‌کنند، برآستی می‌خواهند به نجات ایران از این دوران سیاهی که پشت سر می‌گذارد کمک کنند، اخلاقاً موظف به توضیح اند که واقعاً به چه قصدی علیه گامی مثبت از سوی ایرانیان در جهت تحمل همزیستی زیر سقف یک کشور، گزارشی بغایت مغرضانه و مخرب را انتشار داده‌اند.

دولت این کشور از نیروهای لائیک در قبال بنیادگرایان تا کید کرد و اظهار داشت در راه مبارزه با بنیادگرایی، آمریکا راهی جز برانداختن رژیم جمهوری اسلامی ندارد و برای رسیدن به این هدف با یستی به تلاش گسترده‌ای دست زد. وی افزود دولت آمریکا برای مبارزه با بنیادگرایی باید به نیروهای لائیک در ترکیه و به دولت الجزایر یاری رساند.

در گزارش وزارت خارجه آمریکا پیرامون نقض حقوق بشر در ایران که پیش از اظهارات رئیس کنگره منتشر شد، جمهوری اسلامی به عنوان «ناقص اصلی» حقوق بشر توصیف شده است.

برای تحریم گسترده اقتصادی و مالی رژیم اسلامی طرحی از سوی نمایندگان کنگره جهت تصویب به کنگره ارایه شده است. بر اساس این طرح انجام هرگونه معامله با جمهوری اسلامی تحریم می‌شود. در طرح پیشنهاد شده است هرگونه انتقال اعتبار فیما بین، مبادله ارزی استفاده، انتقال، جایجایی و صادرات و واردات هر نوع کالا های ایرانی، همچنین صادرات هرگونه قطعه یا تکنولوژی و فنی و علمی به ایران تحریم شود و هر فردی که تحت حمایت آمریکا باشد، ملزم به پیروی از این قانون گردد. بر اساس این پیشنهاد از ورود هرگونه جنسی که تمام یا بخشی از آن در ایران تهیه یا

تهران زیر فشار چندسویه...

تولید یا استخراج شود به آمریکا جلوگیری خواهد شد. در تصویب طرح، موضع نمایندگان شرکت‌های بزرگ نفتی در کنگره تعیین کننده است. بر اساس گزارش مطبوعات لندن یک چهارم نفت ایران توسط شرکت‌های آمریکایی مبادله و خرید و فروش می‌شود.

ناطق نوری: رئیس مجلس آمریکا

«نهم» است خطبه نماز جمعه ۲۱ بهمن را اگرچه خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی خواند، اما اشاره‌ای به اظهارات رئیس مجلس آمریکا نکرد. واکنش جمهوری اسلامی با یک هفته تاخیر صورت گرفت. نخستین سخنان از زبان ناطق نوری رئیس مجلس شورای اسلامی که خود را برای ریاست جمهوری آینده آماده می‌کند، جاری شد. ناطق نوری رئیس کنگره آمریکا «نهم» خواند و گفت: «تفکر تلاش برای تغییر نظام جمهوری اسلامی احمقانه است و هر کجا آمریکا وارد شد بیشتر از پیش رسوایی خود را آشکار کرد. وی سخنان کین گریچ رئیس کنگره آمریکا را غیرعقلانی و ناشایسته فحشی‌آلودانست.

پس از اظهارات ناطق نوری، کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، بیانیه‌ای پیرامون سخنان رئیس کنگره آمریکا صادر

کرد و آن را «موضع گیری خیره سرانه» خواند.

هلموت کهل: ما به بنیادگرایان کمک نخواهیم کرد

صدراعظم آلمان فدرال برای نخستین بار در یک کنفرانس مطبوعاتی صریحاً علیه رژیم جمهوری اسلامی اظهار نظر کرد و بنیادگرایی اسلامی را یکی از بزرگترین خطرهای جامعه بین‌المللی خواند. در این کنفرانس مطبوعاتی که با حضور بیبل کلیتون رئیس جمهور آمریکا در واشنگتن برگزار شد، هلموت کهل گفت: آلمان فدرال نه تنها اقدامی برای کمک به بنیادگرایی و بنیادگرایان انجام نخواهد داد، بلکه برای مبارزه با بنیادگرایی و نقش مخرب جمهوری اسلامی در روند تحولات خاورمیانه، در حال کاهش سطح مناسبات تجاری خود با این رژیم است.

وی در حضور نمایندگان مجلس و بیبل کلیتون به خبرنگاران اظهار کرد ما به رژیم‌هایی که در روند صلح خاورمیانه کارشکنی کنند کمک نخواهیم کرد.

صدراعظم آلمان افزود: به صاحبان صنایع گفته ایم از فروش هر نوع تکنولوژی که می‌تواند به تولید سلاحهای مخرب بی‌فایده، تولید جمهوری اسلامی خودداری کنند. همزمان با اظهارات هلموت

کهل در واشنگتن، کاردار سفارت آلمان در تهران به وزارت امور خارجه احضار شد تا درباره سخنان «توهین آمیز» وزیر همکاری اقتصادی و توسعه جمهوری فدرال آلمان منظور وزارت امور خارجه از سخنان «توهین آمیز»، اظهارات «کاردل دیتراشیرانگر» وزیر همکاری اقتصادی آلمان در مصاحبه با یکی از روزنامه‌های چاپ بن بود. وی در این مصاحبه با استناد به نظر اکثر کارشناسان سیاسی و اجتماعی، جمهوری اسلامی را «رژیمی تروریست و شر» خواند که با مردم ایران «رفتاری شرم آور» دارد. نشانه چرخش تازه در سیاست دولت آلمان، حمایت آن از ادعای امارات متحده عربی بر سه جزیره ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک است.

دولت نروژ در جریان سفر و اعطای به اسکاندیناوی فعالانه تلاش کرد تا از دیدار وزیر امور خارجه سوئد با وی جلوگیری کند. تلاش دولت نروژ و اعتراض‌های مردم دو کشور دولت سوئد را ناچار به لغو دیدار و اعطای از استکهلم کرد.

نروژ اعلام کرده است تا فتوای قتل سلمان رشدی لغو نشود سفیر خود را به تهران نخواهد فرستاد و

جنگ سفارتخانه‌ای با نروژ

ادامه دارد

دولت نروژ در جریان سفر و اعطای به اسکاندیناوی فعالانه تلاش کرد تا از دیدار وزیر امور خارجه سوئد با وی جلوگیری کند. تلاش دولت نروژ و اعتراض‌های مردم دو کشور دولت سوئد را ناچار به لغو دیدار و اعطای از استکهلم کرد.

نروژ اعلام کرده است تا فتوای قتل سلمان رشدی لغو نشود سفیر خود را به تهران نخواهد فرستاد و

مناسبات دیپلماتیک با جمهوری اسلامی را عادی نخواهد کرد.

در هفته گذشته نیز سفارت نروژ در تهران به حالت نیمه تعطیل درآمد و مناسبات تهران با اسلوه‌نازلترین سطح رسید، جمهوری اسلامی در پاسخ به اقدامات دولت نروژ اعلام کرد که «جنگ سفارتخانه‌ها به ضرر نروژ است و تهران محدودیت‌های اقتصادی را که از ماه‌ها قبل آغاز کرده است، اینک به طور کامل اجرا می‌کند.

کویت به مخالفان جمهوری اسلامی پیوست

روزنامه «الشرق الاوسط» که در ریاض چاپ می‌شود، با استناد به گزارش منابع رسمی کویتی خبر داد که دولت کویت جانب امارات متحده عربی را گرفته و جمهوری اسلامی را مسئول اشغال جزایر مورد دعوی طرفین می‌شناسد. بر اساس نوشته «الشرق الاوسط» کمیسیون روابط خارجی مجلس کویت ضمن تهیه گزارشی با ذکر دلایل، جزایر ابوموسی، تنب کوچک و بزرگ را متعلق به امارات متحده عربی خوانده است.

جمهوری اسلامی در یک یادداشت سیاسی به کویت هشدار داد که «از گذشته درس بگیرند و در بی‌تجربه در دنیا تازه‌ای نباشند.

مخالفت مجلس دانمارک

با سفر رفسنجانی به کپنهاگ

در پی بازگشت محمود واعظی معاون اروپا و آمریکا وزارت امور خارجه از دانمارک، در تهران اعلام شد که سفر قریب الوقوع رئیس جمهور هاشمی رفسنجانی به دانمارک لغو شده است. قرار بود رفسنجانی برای دیدار با سران کشورهای اسکاندیناوی و شرکت در اجلاس رهبران کشورهای عضو سازمان ملل متحد که در اسفندماه در کپنهاگ برگزار می‌شود به دانمارک سفر کند. این اجلاس در چارچوب برنامه‌های سازمان ملل پیرامون توسعه اجتماعی برگزار می‌شود.

قرار است به جای رفسنجانی، ولایتی در این اجلاس شرکت کند. جمهوری اسلامی علت لغو سفر رفسنجانی را محدودیت وقت و حضور رفسنجانی در اجلاس سران سه کشور عضو اعلام کرد.

تاکنون بارها زمینه‌های سفر رئیس جمهور حکومت اسلامی به کشورهای اروپایی فراهم شده است اما هر بار نزدیکی زمان سفر، دولت میزبان تحت فشار افکار عمومی و برای حفظ اعتبار و حیثیت سیاسی خود از پذیرش رئیس جمهور رژیم اسلامی خودداری کرده است.

به دنبال دیدار واعظی با وزیر امور خارجه دانمارک که با اعتراض و نمایندگان مجلس مردم دانمارک مواجه شد، مجلس این کشور طرحی را به تصویب رساند که بر اساس آن دولت نمی‌تواند بدون اجازه مجلس، نمایندگان رژیم ایران را در دانمارک بپذیرد.

مقام امنیتی دم از...

ادامه از صفحه ۱

همین مصاحبه «ملاطفت آمیز» هم به آنهایی که با قصد سلطنت به ایران بازمی‌گردند می‌گوید «اگر بخوانند از حسن نیت ما سوءاستفاده و سوء برداشت نمایند، نتیجه آن را خواهند دید».

بیهوده نیست که موسوی نژاد در مصاحبه خود، در مقام دایه مهربان ترا مادر، و در حقیقت برای بی‌اعتبار کردن اپوزیسیون، از مخالفان رژیم در خارج از کشور انتقاد می‌کند که چرا «در همان فضای خارج از کشور که به زعم آنان دنیای آزاد تلقی می‌شود و هیچگونه فشاری از این جهت روی آنان نیست، قادر نیستند بر سر کوچکترین مسئله‌ای با هم به توافق برسند. مقام امنیتی جمهوری اسلامی می‌گوید در جامعه ایرانی مقیم خارج از کشور، نسبت به اپوزیسیون که از قضا بر خلاف ادعای او حداقل در مورد بزرگترین مسئله یعنی برکناری حکومت و برچیدن بساط وزارت اطلاعات توافق دارد، تخم یاس و بدبینی بپراکند. رژیم آخوندها به قول خود همین مقام امنیتی، آنقدر «سلط اطلاعاتی» دارد که از هر کس که با خاطر آزوده از اجحافات و ستم کاری‌های آخوندها به ایران می‌رود، نهراسد. بیم حکومت، از این است که مردم، چه در داخل و چه در خارج از کشور، صدای خود را یکی کنند و گامی در جهت غلبه بر سببان این همه مصیبت بردارند.

مصاحبه موسوی نژاد آنجا صورت مضحکه به خود می‌گیرد که این مقام امنیتی، بالحنی پدرا نه «از طرح مباحث آزادی و دمکراسی در نشریات اپوزیسیون استقبال می‌کند، گویی خوانندگان اطلاعات فراموش کرده‌اند که بنیانگذار جمهوری اسلامی، یعنی کسی که در همین ایران امروز نیز هر روز بر ابعاد کیش شخصیت او می‌افزایند، مقبره‌اش را بزرگتر و پرهیزتر و برتر می‌کند، نقش صورتش را روی سکه

طلایی زدن، اسمش را در سرود جمهوری اسلامی می‌آورند و خلاصه هیچ فرصتی را برای نمایش «ادامه راه آواز دست نمی‌دهند، همین رهبر و بنیانگذار، در تمام طول عمر درازش یک بار هم زیانش نچرخید که کلمه «دمکراسی» را داد کند، و در آن همه وعظ که کرد، یک بار هم شوق «آزادی» از سخنانش بر نیامد. خمینی گویی ندانسته از فاشیست‌ها پیروی می‌کرد که «دمکراسی» را طاعون می‌دانستند.

اکنون رئیس «سربازان گمنام» خمینی، در روزنامه‌ای که سرتاسر صفحات آن فضایی از یک کشور مجازی گل و بلبل می‌سازد، سنگ دمکراسی و آزادی را به سینه می‌زند. جا به جای مصاحبه

موسوی نژاد، برآز همین گونه اظهاراتی است که به نظر می‌رسد با فرهنگ گذشته و حال جمهوری اسلامی و رهبران آن سنخیتی ندارد. در مصاحبه مقام امنیتی، به جای واژگان معمول جمهوری اسلامی که در میان خوانندگان اطلاعات ضادرانی، خریداری ندارد، ده‌ها بار از ایران و فرهنگ ایران و تمامیت ارضی آن سخن رفته است، با این امید که حافظه تاریخی ما آنقدر ضعیف باشد که ندانیم چیزی که رهبران جمهوری اسلامی برای آن پیش‌پیشی ارزش فانی نبوده و نیستند، میهن و ایران و فرهنگ ایرانی است، و از یاد برده باشیم جوابی را که خمینی در بار گذشت از تبعید پانزده ساله، به سئوال «چه احساسی دارید» داد: «هیچ!»

در اینجا دیگر نیازی نیست به دروغ‌های فراوان موسوی نژاد در مصاحبه‌اش بپردازیم، دروغ‌هایی از این قبیل که جمهوری اسلامی با نیروی غیربرانداز مدارا می‌کند. معلوم نیست چرا آقایان در جستجوی «نیروی غیربرانداز» به خارج روی آورده‌اند. از موسوی نژاد بعید است که نداند در خارج از ایران، نیروی

اطلاعیه

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بدینوسیله از کلیه دوستان و رفقای که در برگزاری جشنهای بیست و چهارمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق زحمت کشیدند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۳۷۳

هدداریک مقام روسی نسبت به کمک های هسته ای به جمهوری اسلامی

الکسی یابلوکوف رئیس کمیته ایمنی محیط زیست در شورای امنیت روسیه، نسبت به عواقب کمک روسیه به احداث نیروگاه اتمی بوشهر هشدار داد. یابلوکوف گفت ایران با استفاده از این همکاری هسته ای خواهد توانست ظرف مدت چند سال، بمب اتمی بسازد. به گفته یابلوکوف، روسیه در قرارداد اخیر خود با جمهوری اسلامی متعهد شده است سوخت اتمی مورد نیاز نیروگاه بوشهر را تأمین کند، و این امر به معنای تحویل پلوتونیوم به ایران است. جسی هلمز سنا توردست راستی جمهوریخواه آمریکا گفت این کشور باید به روسیه بفهماند که کمک هسته ای روسیه به جمهوری اسلامی را تحمل نخواهد کرد.

تهران اطمینان می دهد، اما...

ادامه از صفحه ۱
هسته ای به ایران راهمچنان فعالانه پی می گیرد، تا جایی که این معامله ناخشنودی آمریکا را دنبال داشته و مناسبات دو کشور را تا حدودی تحت شعاع قراردادده است. مقامات آمریکایی معتقدند تقویت فعالیت های ایران برای دست یابی به تکنولوژی هسته ای، می تواند به تجهیز رژیم ایران به سلاح هسته ای منجر شود. ۲۰۰ کارشناس روسی در نیروگاه بوشهر مشغول به کار هستند. داگلاس هرد وزیر امور خارجه بریتانیا روز ۱۸ ژانویه در ابوظبی، جمهوری اسلامی را بزرگترین خطر بالقوه هسته ای جهان نامید. وی تأکید داشت که طی الی ۱۵ سال آینده ایران می تواند به سلاح هسته ای دست یابد، که این امر خطر اصلی برای منافع انگلستان و دیگر کشورهای دوست خلیج فارس بشمار می رود. وارن کریستوفر وزیر امور خارجه آمریکا نیز به کوزیروف حول قرارداد نیروگاه اتمی بوشهر هشدار داد و از این عمل به عنوان اقدامی خطرناک یاد کرد.

افزایش فشار برای توقف انتشار روزنامه ی همشهری

کرهکن نماینده ی لنجان در مجلس شورای اسلامی، در ارتباط با تداوم انتشار روزنامه ی همشهری میرسلیم، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را مورد سؤال قرار داد. سؤال کننده با اشاره به قانون منع چاپ و انتشار نشریات غیر ضرور سازمان های دولتی مصوب سال ۶۵، اقدام به صدور مجوز انتشار به این روزنامه را با این توضیح که در ماده ی واحده ی این قانون به صراحت اسمی از شهرداری ها برده نشده است غیر قانونی دانست و از وزیر ارشاد نسبت به تداوم انتشار نشریه پس از تفسیر مجلس از قانون که شهرداری ها را هم مشمول قانون می داند، پاسخ خواست. میرسلیم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ ابراز داشت که نسبت به اجرای قانون مزبور تخلفی صورت نگرفته است. از آنجا که سازمان های عمومی بدون استفاده از اموال عمومی می توانند نشریه داشته باشند و با توجه به اینکه مخارج اداره ی این روزنامه در حال حاضر با استفاده از اموال عمومی صورت نمی گیرد بلکه از محل فروش و عواید آگهی ها تأمین می گردد، جزء مواردی که قانون بر آن اشاره دارد نیست، مگر آنکه عطف به ماسبق

خبرهای کوتاه

طرح ممنوعیت تجهیزات ماهواره ای تصویب شد

مجلس شورای اسلامی در جلسه یکشنبه ی هفته گذشته ی خود طرح ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت ماهواره را که از سوی شورای نگهبان عودت داده شده بود را پس از وارد کردن تغییرات جزئی در آن تصویب کرد. شورای نگهبان نیز متعاقباً در جلسه چهارشنبه خود طرح تغییر یافته را مورد تأیید قرار داد.

بازده کار کارگران ایرانی زیر ۵۰ درصد ارزیابی شد

دبیرکل خانه ی کارگر همزمان با اعلام خیر افزایش حق مسکن کارگران از ۴۰۰ تومان به ۱۲۰۰ تومان گفت، طبق آمار موجود حداکثر کار مفید کارگران ایران ۴/۵ ساعت در روز است.

۴۵۰۰ میلیارد سرمایه و ۲ میلیون اشتغال

معاون بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی گفت: در حال حاضر ۴۵۰ هزار واحد صنعتی و تولیدی در تهران با بیش از ۲ میلیون نفر فعالیت دارند و حداقل سرمایه گذاری توسط این واحدها ۴۵۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است.

تولد، ازدواج و طلاق

بر اساس آمار اعلام شده از سوی مدیرکل ثبت احوال استان آذربایجان شرقی، در طول ۹ ماهه ی اول سال جاری ۶۴۷۳۲ مورد تولد به ثبت رسیده است که در مقایسه با سال قبل ۲۳ درصد افزایش داشته است. آمار ازدواج ثبت شده در همین زمان در مقایسه با سال قبل ۲ درصد کاهش نشان می دهد. این درحالیست که میزان طلاق در این زمان نسبت به زمان مشابه سال قبل ۴۵ درصد افزایش داشته است.

دستگیری نماینده به جرم رشوه خواری

مجید نادری نماینده ی بوئین زهرا در مجلس که چندی قبل به اتهام رشوه خواری دستگیر و زندانی شده بود، در دادگاه ویژه ی روحانیت محاکمه و به یک سال زندان، ۳۰ ضربه شلاق و پرداخت یک میلیون تومان جریمه و ۵ سال محرومیت قطعی از مشاغل دولتی محکوم شد. نادری ۳۳ سال دارد و روحانی است. به نوشته ی روزنامه های داخل به همراه نادری چهار نفر دیگر نیز دستگیر شده اند که به حبس های بلند و کوتاه مدت محکوم شده اند. به گزارش همین روزنامه ها نادری و همدستانش جمعاً ۱۱ میلیون تومان رشوه گرفته اند.

کاهش واحدهای درسی دوره های دانشگاهی

بر اساس مصوبه ی جدید شورای عالی برنامه ریزی سقف واحدهای درسی دانشگاهی کاهش یافت. بر اساس این مصوبه سقف جدید دوره های کاردانی حداقل ۶۷ واحد اکترا و ۷۲ واحد برای دوره های کارشناسی حداقل ۱۳۰ واحد اکترا و ۱۳۵ واحد برای رشته های فنی و مهندسی حداقل ۱۴۰ واحد تعیین شده است. برای دوره های کارشناسی ارشد ناپیوسته این سقف حداقل ۲۸ واحد اکترا و ۳۲ واحد برای دوره ی دکترا ۴۲ و ۵۰ واحد در نظر گرفته شده است که از این تعداد برای دوره ی دکترا ۱۶ تا ۳۰ واحد به رساله ی پژوهشی آنها اختصاص یافته است.

وزارتخانه ها عامل گرانی اند

در زمانی که دولت تبلیغات گسترده ای درباره ی مبارزه با گرانی پراه انداخته بود، بخشی از ارگان های دولتی با احتکار و گران کردن تولیدات خود به گرانی بیشتر دامن می زدند. این موضوع را نماینده ی شهرنور و رئیس کمیسیون نفت مجلس در گفتگو با خبرنگار جمهوری اسلامی مطرح کرد. وی گفت درست زمانی که رئیس جمهور مبارزه با گرانی را آغاز کرد وزارت صنایع قیمت سیمان و وزارت معادن و فلزات قیمت میلگرد و آهن را افزایش دادند و برخی از کارخانجات تحت پوشش دولت و اخیراً کارخانه ی لاستیک سازی دنا تولیدات خود را احتکار و توزیع آن خودداری می کند. وی اضافه کرد تا زمانی که سیستم توزیع در کشور اصلاح نشود عنوان کردن مبارزه با گرانی و کنترل قیمت ها بدون فایده است.

سؤال از وزیر صنایع

نعمت زاده وزیر صنایع جمهوری اسلامی در جلسه ی علنی چهارشنبه ی گذشته مجلس شورای اسلامی در ارتباط با علت گرانی انواع اتومبیل های ساخت ایران به رغم کیفیت نازل آن ها از جانب رضوی اردکانی نماینده ی سیدان مورد سؤال قرار گرفت. نعمت زاده در پاسخ، قیمت اتومبیل را به قیمت ارز، طلا، عرضه، تقاضا و نقد بنگی وابسته دانست، که توضیحات وی سؤال کننده را قانع نکرد و موضوع برای بررسی بیشتر به کمیسیون مربوطه در مجلس ارجاع شد.

فرشی به شکل کره ی زمین یافته شد

یک هنرمند قالی باف تبریزی پس از سه سال و نیم کار بافتن فرشی به شکل کره ی زمین را همراه با تقسیم بندی کشورها بر اساس آخرین تغییرات جغرافیایی به پایان رساند. قیمت اولیه این فرش که یک متر قطر و ۳/۱۴ متر مربع مساحت دارد ۳/۵ میلیون تومان برآورد شده است.

رویدادهای ورزشی

پس از تظاهرات ۱۰۰ هزار نفری در استاد یوم آزادی

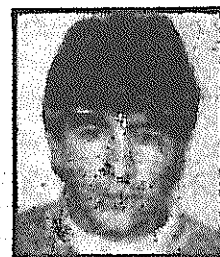
فشارها بر تیم پیروزی افزایش یافته است

پیروزی ۱۱ بازیکن خود را "جواب" کرد

به دنبال تظاهرات یکصد هزاری نفری جوانان علیه رژیم در جریان مسابقه رفت تیم های پیروزی و استقلال، که گناه آن را به گردن تیم سرخ پوش تهرانی انداختند، فشار بر این تیم افزایش یافته است. به دنبال محروم کردن سرپرست، مربی و هفتن از بازیکنان پیروزی، اکنون این باشگاه اعلام کرده است که ۱۱ بازیکن خود را نیز در لیست فروش قرار داده است. در لیست ۱۱ نفره ای که روزنامه های ایران انتشار داده اند، نام این افراد به چشم

دایمی هم می رود؟

این بار دلایل ترکیه ای به سراغ علی دایی، مهاجم تیم پیروزی و ملی ایران آمده اند. علی دایی بعد از آنکه در مسابقات مقدماتی جام



دو حادثه تلخ برای اسکی ایران

بر اثر سقوط بهمین در پیست اسکی دیزین دو اسکس باز ایرانی جان خود را از دست دادند. این حادثه در روز ۱۷ بهمن ماه اتفاق افتاد و در جریان آن ناصر کلهر، عضو سابق تیم ملی اسکی ایران و محمود غربی زاده از اعضای تیم اسکی تهران کشته شدند. فدراسیون اسکی عدم توجه اسکی بازان به علائم هشدار دهنده و خارج شدن آنها از

رئیس فدراسیون وزنه برداری: بسیار عقب هستیم

علی مرادی رئیس جدید فدراسیون وزنه برداری کشور در مصاحبه ای پیرامون برنامه های آتی خود شرکت کرد و گفت که الیت رایه جوانان و نوجوانان خواهد داد. مرادی ضمن اشاره به سقوط وزنه برداری ایران در سالهای اخیر خاطر نشان کرد: فاصله رکورد های وزنه برداران ایران با وزنه برداران آسیا و جهان زیاد است. با توجه به برآوردی که به صورت میانگین به دست آمده است، در آسیا حدود ۲۸

دراوکرین

تیم کشتی ایران سوم شد

وزن های ۴۸ و ۶۸ کیلوگرم به گردن آویختند. در مسابقات اوکراین ۱۵ کشور حضور داشتند و تیمهای اوکراین و روسیه مقام های اول و دوم را به دست آوردند. تیم کشتی آزاد باشگاه فجر تهران در مسابقات بین المللی کشتی آزاد در اوکراین به مقام سوم رسید. کشتی گیران ایرانی در این مسابقات دو مدال نقره گرفتند و ۱۳۹ امتیاز به دست آوردند. مدالهای ایران را محمد جواد صفایی و امیر نوکلیان در



می خورد: احمد رضا عابد زاده، محمود خوراکی، نادر باقری، علیرضا پاینده دلدار، افشین ناظمی، منوچهر عبدالله نژاد، نجم الدین بخشی، محسن آثوری، امیر موسوی نیا، جمشید شاه محمدی، مجتبی محرمی.

گفته می شود که این تصمیم نتیجه فشارهای آشکار و پنهانی است که به قصد ضربه زدن به این تیم و تنبیه محبوبترین باشگاه فوتبال ایران صورت می گیرد. کمتر سابقه دارد که یک تیم در شرایط معمول اعضای تیم خود را این چنین دسته جمعی در

روزنامه آلمانی هاندلس بلات: هیچ عرصه جامعه ایران از عواقب بحران اقتصادی در امان نیست

بازهم

فساد اداری و ارتشاء

روزنامه اقتصادی هاندلس بلات که در شهردوسلدورف آلمان منتشر می‌شود، در شماره ۱۴ فوریه (۲۵ بهمن) خود گزارشی از ایران به چاپ رسانده است. در این گزارش آمده است:

بر جشن‌های انقلاب ایران، عمدتاً فضای نومیدکننده حاکم بود. جمهوری اسلامی، راه بیرون رفتی از بحران اقتصادی که پیوسته حادث می‌شود، نمی‌یابد. این دفعه، برای نخستین بار پس از سقوط شاه در سال ۱۹۷۹، رژیم اسلامی به مراسم مهمانان خارجی دعوت نکرده بود. ناظران سیاسی، علت این امر را در دشواری‌های اقتصادی پیوسته روبه وخامت می‌بینند.

گرچه رژیم اسلامی ظرف ۱۶ سال گذشته استحکام یافته است، اما ملایان در میان مردم آن محبوبیتی را که زمانی به آنان امکان داد قدرتمندترین حاکم نظامی خاورمیانه را سرنگون کنند، به کلی از دست داده‌اند. سرکوب و به ویژه ندامت کاری در مدیریت اقتصادی و غده سرطانی غیرقابل کنترل فساد، مردم را آنچنان خشمگین کرده است که حتی رسانه‌های دولتی نیز در انتقاد از رژیم، خویشتن داری را کنار نهاده‌اند.

به عنوان نمونه، "کیهان بین المللی" هشدار می‌دهد بحران اقتصادی ابعادی یافته است که اگر رهبری اسلامی نتواند اوضاع را تحت کنترل خود درآورد، احتمال دارد ایران به سمت یک "فاجعه" برود. این روزنامه می‌افزاید: "در این وانفاس، دولت به سان ببر بی‌دندان است."

درواقع نیز امروز هر چه و مرج اقتصادی، هیچ عرصه جامعه را مصون نگذاشته است. همه نشانه‌ها حاکی است برنامه لیبرالی‌سازیسیون و رفسنجانی و خصوصی کردن شرکت‌های ضروری دولتی، ناموفق مانده است و مردم هر چه بیشتر در ورطه فقر فرو می‌روند. حکومت

فساد مالی و ارتشاء سر تا پای ارگان‌های اقتصادی و اداری رافرا گرفته است و به قول روزنامه سلام دزدی در بانک صادرات منحصر بفرديست و دهها مورد دیگر هم بوده و هست که پیش از بر ملا شدن، به صلاح دید مسئولان بر آنها سرپوش گذاشته شده است.

طی هفته‌های اخیر در آذربایجان غربی پرونده‌های متعدد فساد مالی و ارتشاء روشن شده است. به گفته مدیر کل اطلاعات آذربایجان در بخش حمل و نقل راه و ترابری استان مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال رشوه از رانندگان متقاضی مسائلی نقلیه توسط تعدادی از کارکنان اخذ شده است، و نیز چند عضو هیات مدیره تعاونی‌های مسکن بهداشتی، خاک شناسی ارومیه به اتهام دریافت ۲۴۰ میلیون ریال رشوه دستگیر شده‌اند.

وی در رابطه با فساد در گمرک این استان اظهار داشت که یکی از مسئولین با تیبانی برخی از کارکنان و بازرگانان با جعل اسناد گمرکی مقدار هنگفتی کالا به صورت غیر مجاز به کشور وارد و یا خارج می‌کردند. آنان اعتراف نمودند که در یک مورد یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال اختلاس کرده‌اند.

به گفته این مقام در اداره برق استان یکصد دستگاه کنتراکتور از پستهای فشار قوی توسط دوتن از کارکنان به سرقت رفته است. همچنین در اداره کل ثبت و اسناد استان نیز معاون ثبت شهرستان ارومیه و چهارتن دیگر از کارکنان با صدور گواهی غیر قانونی برای چند هزار متر مربع از اراضی دولتی و ملی، یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال اختلاس کرده‌اند.

در سازمان تعاون روستایی این استان و شهرستان تکاب چند تن به اتهام فساد مالی دستگیر شده‌اند.

● امروز در ایران بهای مواد غذایی، تقریباً در سطح آلمان و فرانسه است، اما دستمزدها در حدود یک دهم این کشورهاست. یک کارمند یا استاد دانشگاه، همین قدر حقوق می‌گیرد که بتواند اجاره آپارتمان خود را بپردازد.

● "کیهان بین المللی" هشدار می‌دهد بحران اقتصادی ابعادی یافته است که اگر رهبری اسلامی نتواند اوضاع را تحت کنترل خود درآورد، احتمال دارد ایران به سمت یک "فاجعه" برود.



امروز در ایران بهای مواد غذایی، تقریباً در سطح آلمان و فرانسه است، اما دستمزدها در حدود یک دهم این کشورهاست. یک کارمند یا استاد دانشگاه، همین قدر حقوق می‌گیرد که بتواند اجاره آپارتمان خود را بپردازد.

امروز اکثر ایرانیان باید با مشاغل دوم و سوم به نحوی سعی کنند گلیم خود را از آب بیرون بکشند. حتی قشر متوسط نیز مدتهاست پس انداز خود را مصرف کرده است. دولت از هم اکنون اعلام کرده است در ماه مارس بهای بنزین دوباره خواهد شد. این امر به افزایش مجدد قیمت کالاها و حیاتی خواهد انجامید. بحران اقتصادی، تا حدودی ناشی از پایین آمدن بهای نفت است اما به سیاست وارداتی بیش از حد آزاد سال‌های گذشته نیز مربوط

آنچه ایرانیان بدان به ویژه نیاز مبرم دارند، سرمایه گذاری خارجی در صنایع نفتشان است. در حال حاضر، ایران از جمله به علت دشواری‌های فنی، فقط این ظرفیت را دارد که به اندازه‌ای که اوپک اجازه می‌دهد نفت تولید کند. کارشناسان پیش بینی می‌کنند همین چند ماه دیگر، ایران نخواهد توانست حتی به اندازه سهمیه‌ای که اوپک برایش تعیین کرده است استخراج نماید.

اگر ایران موفق نشود صنعت نفت را مدرنیزه کند و گسترش دهد، طبق آخرین تحقیقات، صادرات آن در همین سال مالی آینده که در ماه مارس آغاز می‌شود، کاهش خواهد یافت، چرا که نیاز داخلی، پیوسته و با آهنگی سریع روبه افزایش است. با سطح فعلی تولید، ایران در سال ۲۰۱۰ حتی نخواهد توانست به اندازه‌ای نفت استخراج کند که قادر باشد بخشی از آن را صادر نماید.

اما یک مضمی سیاسی و اقتصادی مخشوش، که علت آن جنگ قدرت در درون رژیم است، چنان فضای ناامنی ایجاد کرده است که سرمایه گذاران بالقوه خارجی جرات ریسک را به خود نمی‌دهند. هیچ کس نمی‌تواند پیش بینی کند مردم در درازمدت در برابر افزایش فشار اقتصادی، چه واکنشی خواهند داشت.

اخیراً به طور پراکنده بارها نظرات اعتراضی کوچکی که بعضاً با خشونت نیز همراه بوده، صورت گرفته است. اما رژیم ملایان با چنان دست آهنینی حکومت می‌کند که اپوزیسیون، مدت‌هاست هرامکانی را برای متشکل شدن و ایجاد یک آلت‌رئیتی، از دست داده است. برخی ایرانیان چنین ارزیابی می‌کنند که ممکن است بحران اقتصادی از برخی جهات، به نفع رژیم باشد. فکرنان شب، از یخش بزرگی از مردم چنان انرژی می‌گیرد که برای فعالیت سیاسی چیزی باقی نمی‌ماند.

اجلاس جهانی درباره امور اجتماعی (۱۵ تا ۲۱ اسفند / ۱۲ تا ۱۸ مارس)

اعلام مشکلات آشکار یا تلاش برای رفع آنها؟

قسمت اول

بیشتری می‌یابد، دسترسی به مایحتاج اولیه زندگی هر لحظه دشوارتر می‌شود و بیماری‌هایی همچون سل و مالاریا و... که ریشه کن شده بودند دوباره شیوع پیدا می‌کنند. در جای‌محل برزیل که به لحاظ صنعتی مقام دهم را در جهان داراست هفت میلیون نفر به گدایی و دزدی مشغولند، زیرا برای تأمین زندگی خود آه در بساط ندارند. گرچه اینک در جهان مواد غذایی ب اندازه کافی تولید می‌شود، اما بخش چشمگیری از جمعیت دنیا به سبب ناداری از خرید این مواد و رفع مایحتاج اولیه خویشتن عاجز است.

زاغه نشینی و حاشیه نشینی در دهه‌های اخیر به مشکل بزرگ اکثر شهرهای بزرگ دنیا بدل شده است که نه تنها کشورهای جهان سوم، بلکه اروپا و آمریکا نیز با آن مواجه‌اند. در پنج سال گذشته بیش از دو بیست و پنجاه هزار آمریکایی شیپا را در آقامتگاه‌های موقت و ابتدایی به سر آورده‌اند. شمار بی‌سرنها در انگلستان به ۴۰ هزار و در فرانسه به ۵۰ هزار نفر رسیده است. دولت‌های رفاه اجتماعی در اروپا که بعد از جنگ جهانی دوم برای

رقابت با شوروی و بلوک شرق توجه محسوسی به تأمین اجتماعی، اشتغال و افزایش رفاه مردم خویش داشتند، اینک در پی فزونی رقیب دوباره تابع خواست‌ها و رقابت‌های لجام گسیخته سرمایه شده و دستاوردهای اجتماعی‌سه، چهار دهه گذشته را یک به یک لغو می‌کنند. هم اینک در چهارچوب بازار مشترک اروپا نزدیک به بیست میلیون انسان فاقد کار و درآمد و کمک هزینه‌های اجتماعی هم‌روزه روز کاهش می‌یابد. افزایش جرم و جنایت، گرایش به مواد مخدر، تشدید دوباره نژادپرستی و بیگانه‌سینزی از پیامدهای بارز این وضعیت در اروپا می‌باشند.

در نقاط مختلف جهان فقر و تنش‌های اجتماعی به ویژه طرف یک دهه اخیر به درگیری‌ها و نزاع‌های خونین منجر شده و شمار جنگ‌های داخلی از سال ۱۹۴۵ تا کنون پیوسته روبه فزونی بوده است. جنگ در سومالی، یوگسلاوی، رواندا، افغانستان، کامبوج، روسیه، تاجیکستان، گرجستان و... گرچه در ظاهر سیمایی ملی، قومی و یا سیاسی دارند، لیکن قسماً از فقر و

تبعیضات اقتصادی سرچشمه می‌گیرند.

رقابت با شوروی و بلوک شرق توجه محسوسی به تأمین اجتماعی، اشتغال و افزایش رفاه مردم خویش داشتند، اینک در پی فزونی رقیب دوباره تابع خواست‌ها و رقابت‌های لجام گسیخته سرمایه شده و دستاوردهای اجتماعی‌سه، چهار دهه گذشته را یک به یک لغو می‌کنند. هم اینک در چهارچوب بازار مشترک اروپا نزدیک به بیست میلیون انسان فاقد کار و درآمد و کمک هزینه‌های اجتماعی هم‌روزه روز کاهش می‌یابد. افزایش جرم و جنایت، گرایش به مواد مخدر، تشدید دوباره نژادپرستی و بیگانه‌سینزی از پیامدهای بارز این وضعیت در اروپا می‌باشند.



کشورهای صنعتی روبه‌روز به قیمت فرآورده‌ها و تولیدات خود می‌افزایند، قیمت مواد کشاورزی و معدنی کشورهای جهان سوم پیوسته در بازارهای جهانی کاهش می‌یابد که سقوط شدید قیمت نفت و قهوه نسبت به دهه هفتاد از نمونه‌های بارز آن است.

تا آنجا که به سرمایه گذارهای خارجی مربوط می‌شود، بخش عمده آنها به سوی کشورهای به لحاظ سیاسی و نظامی استراتژیک و یا دارای نیروی کار ارزان و منابع طبیعی سرازیر می‌شود. از ۸۰ میلیارد دلاری که سال ۱۹۹۳ در کشورهای جهان سوم سرمایه گذاری شده است، بخش عمده به چند کشور آسیا و آمریکا لاتین اختصاص یافته که چین با جذب ۲۶ میلیارد دلار در صدر آنها قرار دارد، این در حالی است که در ۴۷ کشور فقیر دنیا تنها ۳۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری صورت گرفته است. کمک‌های مالی و اقتصادی ممالک صنعتی به این کشورها نیز اولاً ناچیزند و ثانیاً بجای آنکه صرف تأمین نیازهای اساسی اهالی شود، در راه زرق و برق شهرهای بزرگ و پیر کردن جیب قشر

فاسد حاکم به هدر می‌رود. بی‌سبب نیست که در این کشورها سالانه دو میلیون کودک به سبب محرومیت از واکسن‌های بسیار ارزان در اثر بیماری‌هایی همچون سیاه سرفه، سرخک و کزاز جان خود را از دست می‌دهند.

این سیاست‌ها و مناسبات غیر عادلانه پیامدهای ناگواری در پی داشته‌اند که مهاجرت‌های توده‌ای، شیوع بیماری‌ها، افزایش جرم و جنایت و درگیری‌های محلی و منطقه‌ای از جمله آنها هستند. اثرات این پیامدها اینک به کشورهای صنعتی نیز کشیده شده است. کافی است نگاهی به کارنامه سیاسی و اجتماعی دولت‌های اروپایی در دو سال گذشته ببینیم، تا دریابیم که چگونه بخشی از توجه و فعالیت آنها صرف مبارزه غیر اساسی با این تأثیرات می‌شود. آنها بی‌دریغ قوانین ضد مهاجرت تصویب می‌کنند، بیش از پیش در جنگ‌های داخلی کشورهای خارج از قاره اروپا، درگیر می‌شوند و به تشدید مجازات بر علیه خرید و فروش مواد مخدر یعنی همان موادی می‌پردازند که قسماً از سوی کشاورزان آسیایی و آمریکایی لاتین برای گریز از فقر و ناداری تولید و توسط باند‌های قاچاق به بازارهای اروپایی منتقل می‌شود تا جوانان سرخورده و فاقد کار و اشتغال این قاره با خرید و استعمال آن لحظه‌ای هم که شده رنج و دشواری خود را فراموش کنند.

بزرگان هنر الجزایر در کام مرگ

الجزایر طرف ماه گذشته ۴ تن از سرآمدان ادبیات و هنر خود را از دست داد. دو تن از این افراد آماج تیرنیاد گریبان اسلامی شدند و دو نفر دیگر بر اثر بیماری جان سپردند. رشید میحوئی، نویسنده و رمان نویس شهیر الجزایر که از سال ۱۹۹۲ برای درمان ماندن از سوء قصد حزب الهی‌های الجزایر به مراکش پناهنده شده بود، روز ۱۲ فوریه در سن ۴۹ سالگی بر اثر بیماری پرفان در یکی از بیمارستان‌های پاریس درگذشت. میحوئی از جمله نویسنده‌گانی بود که نسبت به مدنی‌ها و بی‌پشتوانه جامعه الجزایر موضعی منفی و نقادانه داشت. وی در زمانی که سال ۱۹۹۰ با نام "داستانی درباره زمان" انتشار داد، حال و روز منطقه‌ای را تصویر می‌کند که با قطع شدن رفت و آمد قطار (نماد مدرنیته) به آن، یک باره به عهد عتیق باز می‌گردد. شورای ریش سفیدان به جای شهرداری می‌نشیند و درد فزاینده فقر و ازدواج را نخته می‌کند. روز شماری دوباره بر اساس تقویم قمری انجام می‌شود و آخوند شهر دوباره مردم را قانع می‌کند که با دعا و اوراد بیماری از پیکر آنها دور خواهد شد...

میحوئی در رمان‌های خوش‌واز جمله در "تومبر" و "آبروی قبیل" بر روی بنیاد گریبان را که نتیجه توسعه ناموزون الجزایر است، کم و بیش پیش‌بینی می‌کند. وی در آخرین رمان خود موسوم به "تفرین" (۱۹۹۲) گوشه‌ای از کردار و رفتار بنیاد گریبان را بازتاب داد و از همین رو خشم و غضب حزب الله را نسبت به خود

برانگیخت. میحوئی در این کتاب بیمارستانی را توصیف می‌کند که نماد جامعه الجزایر است و حزب الهی‌ها بر آن حاکم شده‌اند. آنها زن بچه دار مریضی را که ازدواج رسمی نکرده است، همراه با بچه‌هایش از دریاچه اتاق بیمارستان به خیابان پرت می‌کنند، پزشکی را که به این عمل آنها اعتراض می‌کند برای محاکمه به دادگاهی می‌برند که قاضی آن برادر خود پزشک است... اولد عبدالرحمان عبدالقادر درام نویس و کارگردان شهیر تئاتر الجزایر از دیگر هنرمندانی بود که ماه گذشته پس از یک بیماری طولانی چشم از جهان فرو بست. وی که به سبک‌های استانیلاوسکی، برشت و پیسکاتور گرایش داشت در دهه ۶۰ میلادی استاد هنرهای دراماتیک بود و در دهه بعد آثاری خلق کرد که در تئاترهای اروپایی نیز به اجرا درآمدند. وی از آن جهت در صحنه هنر الجزایر پرآوازه و مورد احترام است که نمایشنامه‌هایش را بیشتر به زبانهای محلی الجزایر می‌نوشت، امری که به رشد و ارتقای تئاتر بومی الجزایر و رویکرد بیشتر مردم به این هنر انجامید و به حاکمیت مطلق زبان فرانسوی و عربی بر تئاتر الجزایر پایان داد.

علاوه بر دو هنرمند فوق، عزالدین مجربی رئیس تئاتر ملی الجزایر که در عرصه نمایشنامه نویسی شهرتی جهانی داشت و رشید بابا احمد آهنگ ساز و خواننده محبوب این کشور نیز در هفته گذشته هدف سوء قصد بنیاد گریبان اسلامی قرار گرفتند و جان خود را از دست دادند.

سینمای ایران: تنفس در فضای محدود

سیزدهمین جشنواره سینمایی فجر



خسرو شکیبایی، رخشان غره‌مانی، مهینا کاشی، داریوش مهرجویی

داشته‌اند، در جشنواره نیز دوباره با معیارهایی سختگیرانه تر مهچک خورده و مورد داوری قرار می‌گیرند. ماهنامه فیلم در شماره اخیر خود (۱۷۰) در این باره می‌نویسد: ... در نهایت هم، حرف آخر را شورای (گزینه‌ش) می‌زند، زیرا نگرانی بازتابهای گوناگون تصمیماتش را دارد. جنبه‌های گوناگون غیر سینمایی تفسیرهایی که از فیلمها می‌شود باعث شده که همواره تصمیم گیرندگان غیر سینمایی نیز در میان شورای گزینه‌ش فیلمها باشند و همین تعدد و تنوع تصمیم گیرندگان، باعث می‌شود که موارد و جزئیات تغییرات اصلاحی فیلمها افزایش یابد. ... به هر حال چاره‌ای نداریم جز اینکه آرزو کنیم اوضاع طبیعی‌تر شود و به سینما به عنوان سینما نگاه شود.

با نگاهی به ترکیب اعضای هیئت داوران جشنواره می‌توان درستی نظرات پیش گفته را بهتر دریافت. از جمله یکی از اعضای داوران پوسنرو عکس و آئونس، اصغر فیهمی‌فر، شغل رسمی‌اش عضویت در شورای بازبینی (سانسور) برنامه‌های ویدئویی در وزارت ارشاد است. انحصار طلبی دستگاهها و دست‌اندرکاران رژیم، در همه جشنواره‌ها به حذف افرادی منجر شده که گرچه در زمینه فیلم و سینما دانش و صلاحیتی قابل اعتنا دارند، لیکن تنها گناهشان عدم تأیید کامل سیاست‌های فرهنگی و هنری رژیم و انتقاد به آن است.

سیزدهمین جشنواره فیلم فجر روز جمعه ۲۱ بهمن (۱۰ فوریه) به پایان رسید و هیئت داوران این جشنواره با اعلام اسامی برگزیدگان امسال سینمای ایران جوایزی نیز به آنها اعطا کرد.

جشنواره فجر تنها جایی است که در آن کارنامه یک ساله سینمای ایران به نمایش درمی‌آید و از خلال برنامه‌های آن می‌توان مقداری از کم و کیف این سینما به دست آورد.

سینمای ایران به رغم افزایش هزینه‌ها و حذف سوبسید امسال از رونق بی‌سابقه برخوردار بوده است. یکی از علل این امر شاید باز شدن بیشتر میدان برای تولید فیلم‌های تجاری (و نه هنری) و کاهش سختگیرانه در مورد چنین فیلم‌هایی است.

هیئت داوران از میان این تعداد دست به گزینه‌ش زد و بهترین‌ها را از دید خود به شرح زیر اعلام کرد:

فیلمنامه:
احمد رضا درویش بخاطر فیلمنامه "کیمیا" دیپلم افتخار جشنواره را از آن خود کرد و رخشان پنی اعتماد برای فیلمنامه "روسی" آبی صاحب سیمرغ بلورین جشنواره شد.

بازیگر نقش اول:
خسرو شکیبایی بخاطر بازی در فیلم "کیمیا" به سیمرغ بلورین جشنواره دست یافت و دیپلم افتخار این بخش به محمد رضا داوود نژاد برای بازی در فیلم "خلع سلاح" اهدا شد.

کارگردانی:
داریوش مهرجویی بخاطر فیلم "پری" صاحب سیمرغ بلورین جشنواره شد و علیرضا داوود نژاد کارگردان فیلم "خلع سلاح" مورد تقدیر و سپاس قرار گرفت.

موسیقی:
در بخش بهترین سازنده موسیقی متن، مجید انتظامی آهنگساز فیلم "کیمیا برنده" سیمرغ بلورین جشنواره گردید.

بهترین فیلم‌ها:
در بخش بهترین فیلم اول، جعفر پناهی سازنده فیلم "بادکنک سفید" به سیمرغ بلورین جشنواره دست یافت و در بخش بهترین فیلم دوم، شهرام اسدی سازنده فیلم "روز واقعه" صاحب سیمرغ بلورین شد و دیپلم افتخار این بخش به علیرضا رئیسیان برای فیلم "سفر" تعلق گرفت.

یادآوری می‌شود که فیلم "روز واقعه" بعنوان بهترین فیلم جشنواره فجر نیز برگزیده شد. جشنواره همچنین احمد رضا درویش کارگردان فیلم "کیمیا" را برنده "جایزه ویژه اعلام" نمود.

بخش خارجی جشنواره فجر امسال به‌مناسبت صد سالگی سینما از

کارم. بی‌جوبی مخملباف در چند مورد اما به پاسخ‌هایی واقعی از سوی چند دختر انجامید: "می‌خواهم از نظر مالی مستقل و مرفه شوم. شنیده‌ام که بازیگری در سینما درآمد خوبی دارد." می‌خواهم مورد توجه قرار گیرم، این توجه دیگران از نظر روحی ارضایم می‌کند. "در فیلم‌های ایرانی همه زن‌ها یا جای می‌آورند یا گریه می‌کنند، من می‌خواهم کارهای دیگری انجام دهم. موتورسواری، سوارکاری، اکشن، ... بازی دختر لالی که مخملباف ابتدا فکر کرده بود که نقش لال‌ها را بازی می‌کند و درخواست جدی و معترضان از او برای ارائه یک بازی با کلام، حضور دختری که مدعی بود برای درک احساس دختران جوانی که گدایی می‌کنند لباس مندرس پوشیده و سر چهارراه به گدایی پرداخته و... از دیگر صحنه‌های کم نظیر روزهای آزمون سینمایی مخملباف بودند.

مخملباف ترفند‌های مختلفی را به کار گرفت تا افراد منتظر در پشت در سالن آزمون، اطلاع زیادی از سوالات و نکات مطرح شده نیابند و حتی الامکان برخورد فی‌البداهه با پرسش‌ها و خواسته‌های کارگردان داشته باشند. هنگامی که چنته مخملباف و همکارانش از ترفند‌های تازه‌تبی‌شد، فیلم هم پایان یافت.

در این صحنه‌ها اغلب، داوطلبین پیش از آنکه توانایی‌اشان در بازیگری را نشان دهند، مکتوبات قلبی خود را بروز می‌دادند. لحظه‌هایی برای بروز خشم، عشق، نفرت، شادی، بی‌خیالی، اعتراض و سایر احساس‌های انسانی. از جمله سوالات روانکاوانه مخملباف از برخی داوطلبین، علت علاقه آنها به بازیگری بود. بیشتر پاسخ‌ها تکراری و کلیشه‌ای به نظر می‌رسیدند: "علاقه دارم... خیلی دوست دارم... اصلا عاشق این

فیلمی فی‌البداهه و فاقد فیلمنامه "سلام سینما"، اثر استثنایی محسن مخملباف

به سالن آزمایش فراخواند و هنگامی که روز اول آزمون به پایان رسید به فکر تغییر طرح اولیه خود افتاد. وی در این باره می‌گوید: "در انتهای همان روز اول آزمایش‌ها بود که فهمیدم دنیای این مشتاقان خیلی جذاب تر از موضوعی است که من در ذهن داشتم و بنا کند و کاو بیشتر در دلمشغولی‌های آنها، نکته‌ها و واقعیت‌های جذابتری هم آشکار



می‌شود. بنابراین، در شب پایان روز اول، تصمیم گرفتم طرح را به کلی عوض کنم و همه فیلم را به این عاشقان سینما اختصاص دهم.

با عوض شدن طرح، جنبه‌های روانکاوانه در برخوردهای مخملباف نیز فزونی گرفت و برای آنکه طرح لو‌نرود بر سرعت کار نیز اضافه شد. پس از دریافت پرسشنامه‌ها از داوطلبین هر گروه، از آنها خواسته می‌شد که یک بازی چنته ثانیه‌ای انجام دهند: "توبخند..."

محسن مخملباف کارگردان برجسته سینما که با فیلم‌هایی همچون "بای سیکلران"، "عروسی خوبان"، "شب‌های زاینده رود"، "ناصرالدین شاه آکتور سینما" و... خوش درخشیده است، اخیراً فیلمی ساخته است که به لحاظ سناریو و روند تولید در جهان کم نظیر است. مخملباف برای ساختن آخرین فیلمش به دوبازیگری‌تایید کرد و تصمیم گرفت با درج آگهی در روزنامه‌ها و دعوت از داوطلبین، دو نفر مورد نظر را از میان آنها انتخاب کند. لیکن تعداد چشمگیر داوطلبین و مسایلی که در روزهای آزمون آنها پیش آمده بود قدری غیرمنتظره و پرمایه بودند که مخملباف از طرح اولیه خود صرف نظر کرده و بر آن شد که بدون لودادن طرح جدید خود همین برخوردها، کنش‌ها و رویدادهای روزهای آزمون را موضوع فیلم خود سازد.

در آگهی مخملباف برای داوطلبین هیچ شرطی عنوان نشده بود. روز ۱۸ شهریور که قرار بود داوطلبین خود را در محل معینی معرفی کنند، جمعیتی نزدیک به ۵۰۰ نفر گرد آمدند. مخملباف برای نظم بخشیدن به جمعیت و به صف کردن آنها ترفند‌های مختلفی به کار گرفت، اما هیچ کدام کارساز نشد. فیلمبرداری از همان لحظه اول تجمع داوطلبین و قبل از اینکه مخملباف به طرح جدید خود برسد، فیلمبرداری را آغاز کرد. مخملباف و همکارانش که تنها هزار پرسشنامه تهیه کرده بودند، چاره‌را جز آن ندیدند که پرسشنامه‌ها را دسته دسته روی سر جمعیت بریزند. چند ساعت بعد از خیابان ولی‌عصر خبر رسید که کپی پرسشنامه‌ها دانه‌ای هزار تومان به فروش می‌رسد! سرانجام از میان داوطلبین ۱۵۰ نفر خود را برای آزمون معرفی کردند.

مخملباف به دلیل تعداد زیاد داوطلبین آنها را در گروه‌های ده نفره

دربازار کتاب

بوف کور و زنده بگور، صادق هدایت همراه با نقدی بر بوف کور به قلم م. ف. فرزانه. نشر باران ۱۹۹۴، سوئد تیراژ: ۸۵۰ نسخه

ای کوته آستینان، سعیدی سیرجانی انتشارات عصر جدید، ۱۹۹۴ چاپ و پخش: نشر باران

۹ داستان عزت‌السادات گوشه گیر، شهلا شفیق، شکوه میرزادگی، مهشید امیر شاهی، زهرا کدخدائیان، سیمین دانشور، مهری یلفانی، فهیمه فرسای، مبین بهرامی نشر باران سوئد چاپ اول، ۱۹۹۴

چهار شاعر آزادی، محمدعلی سیانلو چاپ اول: بهار ۱۳۷۲ (۱۹۹۴)، سوئد انتشارات افسانه + نشر باران چاپ و صحافی: نشر باران

آدرس نشر باران: Baran Bookforlag Box.4048 16304 Spanga SWEDEN Tel: +۴۶ (۰) ۸۶۰۷۶۰۴۴۰۱ آدرس نشر افسانه: Afsane BOX.26036 75026 UPPSALA SWEDEN

انسان از دیدگاه مارکس، اریش فروم ترجمه: محمدراه‌رخشان چاپ اول: آبان ۱۳۷۳ - هامبورگ تیراژ: ۵۰۰ نسخه ناشر: انتشارات سنبله NOSRAT Grindelallee 40 20146 Hamburg Germany

ملیت و زبان، شاهرخ مسکوب چاپ دوم، تیراژ ۱۵۰۰ نسخه پاریس، مهرماه ۱۳۶۸ انتشارات خاوران

KHAVARAN 106, Rue de la Jarry 94300 Vincenne France Tel: (1) 43654704

گفتارهای سیاسی، دفتر یکم جنبه جمهوری: مشکلات و بفرنجی‌ها علی‌راسخ، بیژن حکمت، بهروز خلیق، خانیا باهرانی چاپ اول، مهر ۱۳۷۳ تیراژ: ۵۰۰ نسخه بهار مارک نشر: جمعیت دفاع از جنبه جمهوری و دموکراسی در ایران - بلژیک

جامعه اسلامی

مثل درختی است که موریا نه فساد هر روز بیشتر درون آن رامی خورد

نامه‌ای از ایران



دوست عزیز برایت از تهران می‌نویسم. شهر بی‌قواره‌ای که همچنان در حال رشد است و جمعیت آن همچنان در حال افزایش. شهری که تعداد وسایل نقلیه‌ی موتوری آن به یک میلیون و چهارصد هزار دستگاه می‌رسد و ماشین‌های نمره الف همچنان در کنار آخرین مدل ماشین‌های اروپایی و کره‌ای و... و در زیر تبلیغ‌های عریض و طویل این ماشین‌ها در حال حرکت هستند و بعلمت آلودگی بسیار زیاد هوا و مه‌خاکستری رنگی که بوی مواد سوختی را می‌دهد تنها محدود روزهای آسمان آبی و کوه‌های شمال آن دیده می‌شوند. این بوی دود بخصوص در حوالی ترمینال‌های اتوبوس بسیار شدیدتر می‌شود که البته تعجبی هم ندارد. در تهران بهترین و سالم‌ترین اتوبوس‌های شهری، اتوبوس‌های قدیمی کشورهای اروپایی هستند که بخاطر آلوده کردن محیط زیست از رده خارج شده و به کشورهای بی‌مانند ایران فروخته شده‌اند. داخل این اتوبوس‌ها پر است از مردمی افسرده، خموش و مبهوت و بی‌افرادی که از شدت فشارهای اقتصادی و روانی، در حال انفجار بوده و منتظر جرقه‌ای هر چند کوچک هستند تا عصبانیت خود را بر سر دیگری خالی کنند. روزی نیست که از منزل خارج شوی و شاهد حداقل یک نزاع نباشی. لیکن در بلب کسی دیده نمی‌شود و اگر لبخندی هست نه از شادی بلکه نیشخندی بر حال روز خویش است.

حقوق بگیران فقط به اندازه‌ای که به آنها حقوق داده می‌شود کار می‌کنند. بعضی انرژی خود را برای کار دوم و سوم بعد از ظهر ذخیره می‌کنند و برخی دیگر که ماهیت کارشان به شکلی است که با ارباب رجوع سروکار دارند زندگی را از پول چایی می‌گذرانند. آخر از دیوار خانه‌ی مردم که نمی‌شود بالا رفت! بعضی مستقیماً با مطرح کردن اینکه "بله زندگی خرج داره و همین پس فردا تولد سرکار علیه است و تصمیم دارم برایش سکه یا سکه‌هایی بخرم ولی دریغ که آهی در بساط نیست به ارباب رجوع ندا می‌دهند که خلاصه اگر می‌خواهد فکر این کارمند حقیر برای رسیدگی به کار ایشان آزاد باشد بهتر است که فکری به حال هدیه‌ی تولد سرکار علیه بکند. برخی دیگر به شکل کارمند دلسوزی ظاهر می‌شوند که اگر دست خودشان بود برای اینکه کار مردم راه بیفتد هر چه سریع‌تر کار آنها را انجام می‌دادند ولی افسوس که جناب رئیس باید امضاء کنند و خلاصه با... تومان می‌شود دم ایشان را دید که البته با افزایش تعداد کارمندان دست اندر کار و بلند پایه‌تر بودن

دست اندر کاران پول چایی نیز سیر صعودی و حتی تصاعدی پیدا می‌کند. دسته‌ی سومی از حقوق بگیران نیز هستند که صورت را با سبلی سرخ می‌کنند و زندگی را با همان "امداد غیبی" معروف می‌گذرانند.

تمام این صحبت‌ها البته شامل خیل عظیم بیکاران بخصوص جوانانی که تازه از دبیرستان و یا دانشگاه درآمده‌اند، نیست. جوانانی سرشار از انرژی و ایده‌های نو که نمی‌توانند حتا بدون مزاحمت "آقایان" در خیابان‌ها یا پارک‌ها یا دوستان و همکلاسی‌های خود ملاقات کنند، کافی است که تعداد به ۴ برسد تا سحر و گله‌ی "آقایان" با هزاربانه‌ی مختلف برای متفرق کردن و ارباب این جمع دوستان پیدا شود. خود کشی نه فقط در بین جوانان بلکه در سنین دیگر نیز بسیار زیاد شده است و گاهی این خود کشی همراه با خانواده‌ی کسی نیز هست. دزدی‌هایی که منجر به قتل و تجاوز می‌شود بسیار زیاد شده‌اند ولی در روزنامه‌ها خبری از این اتفاقات داده نمی‌شود. استعمال مواد مخدر بخصوص در شهرهای کوچک بیش از

حتماً از گرانی بی‌حد و مرز در ایران خیرداری ولی داشتن خبر یا لمس کردن هر روزی آن صدها بار تفاوت دارد. افزایش روزانه‌ی قیمت دلار باعث بالا رفتن هر روزی قیمت‌ها از گوشت و مرغ گرفته تا دیگر مایحتاج زندگی می‌شود. فکر می‌کنی که مردم با این افزایش قیمت چگونه مایحتاج خود را تأمین می‌کنند؟ تجارت قیمت کالا‌های خود را بالا می‌برند. کارمندان و

دولت رفسنجانی بر...

ادامه از صفحه ۱

شده است. همه در صدد چاپیدن یکدیگرند و تجار، واسطه‌ها، دلالان، تولیدکننده‌ها، صادره‌ها، خرده فروشان، صادر کنندگان... در جستجوی غارت چیزهایی هستند که به دیگران تعلق دارند. در این بین ابهام و سردرگمی مربوط به قیمت‌ها، هزینه‌ها، کمیسیون‌ها و سودهای مختلف، دولت را به آرامی به صورت یک ببر کاغذی درآورده است. ولی همین دولت هنگامی که وارد دفاع از حوزه‌های مربوط به خود می‌شود، بصورت یک برتریزدندان عمل می‌کند که طی آن وزارتخانه‌ها و سازمان‌های وابسته به آن‌ها و بخش‌های خدمات عمومی فشارهای خود را شدیداً افزایش داده و سپس آنها را توجیه می‌کند. مسئولان دولتی مکرراً توضیح می‌دهند که همه این مسائل برای دستیابی به رشد اقتصادی است. هشتاد درصد مردم دولت را مسئول مشکلات کنونی اقتصادی می‌دانند، آنها به درستی اشاره می‌کنند که قیمت اجناس ارسال شده به بازار از سوی شرکت‌های دولتی و یا سازمان‌های وابسته به آنها شدیداً افزایش یافته است. تعداد این اقلام به قدری زیاد است که فهرست آنها از حوصله این مقاله خارج

ریال هر لحظه...

ادامه از صفحه ۱

کرده بودند، با مراجعه به بانک‌ها اطلاع یافتند که باید ۱۱ هزار تومان دیگری به بانک بپردازند. روز ۲۶ بهمن، خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد که نرخ دلار در بازار آزاد به ۴۴۰ تومان رسیده و نسبت به روز قبل، ۹ درصد افزایش نشان می‌دهد. گزارش‌های مستقل در همین روز، حاکی از این بود که قیمت دلار در بازار تهران ۴۶۵ تومان است. در همین روزهای سکه بهار آزادی ۷ هزار تومان افزایش یافت و به ۵۵ هزار تومان رسید. روز ۲۷ بهمن، منابع مستقل در تهران گزارش دادند که بهای دلار به مرز ۵۰۰ تومان رسیده است. با شتابی که افزایش قیمت ارزهای خارجی به ویژه دلار، پوند و مارک پیدا کرده، نمی‌توان قیمتی گزارش کرد که مطابق قیمت روز باشد. قیمت ارزها و سکه‌ها طالعاً تنها روزی به روز، ساعت به ساعت بلکه لحظه به لحظه افزایش می‌یابند. طی چند روز اخیر صرافان و دلالان ارز برای آن که سود بیشتری کسب کنند و یا لطمه مالی سنگینی مواجه نشوند، معامله یکطرفه‌ای را راه انداخته‌اند. آنان هر چند در ارز با شدیدی خرید اما برای فروش تعادل شدیدی دارند.

اخبار علمی

ثبت تصاویر متحرک

بر روی میکروچیپ کامپیوتری

دوربینهای ویدیویی (آنالوگ) در هر ثانیه حدود ۳۰ تصویر می‌گیرد و هر تصویر معادل ۵ مگابایت اطلاعات تولید می‌کند، چیب‌هایی که برای ذخیره ۳۰ دقیقه اطلاعات مورد نیاز است در عمل پرهزینه‌اند. راه حلی که کمپانی هیتاچی ارائه داد این بود که اطلاعات یاد شده با استفاده از یک روش رمزی فشرده کند، این امر یک تصویر را به ۵۰ کیلو بایت اطلاعات کاهش می‌دهد. نتیجه آن سیستمی است که می‌تواند تا ۳۵ دقیقه فیلم را بر روی ۱۰۰ حافظه ۴ مگابایتی ذخیره کند، این دوربین ۳۰۰ گرم وزن داشته و حجمی معادل ۳۰۰ سانتی‌متر مکعب دارد.

پیشگیری از پیدایش

سنگ کلیه به کمک باکتری‌ها

دانشمندان آسیب‌شناسی دانشگاه فلوریدای آمریکا اخیراً با جداسازی دو نوع ژن از باکتری‌های بی‌آزار اوکسالوباکتر فورمی‌ژن (Oxalobacter formigen) که در روده یافت می‌شوند، ژن‌تراپی برای درمان سنگ‌های کلیه را پیشنهاد کرده‌اند. این باکتری‌ها قادر به تولید آنزیم‌های تجزیه‌کننده‌ی اسید اسکالیک که با مصرف سبزیجات دارای املاح اکسالات به میزان زیاد تولید و جذب می‌شود، هستند. در بیماران مستعد ابتلاء به سنگ کلیه، اسید اسکالیک جذب شده با کلسمین ترکیب شده و بلورهای اکسالات کلسمین را ایجاد می‌کند که در صورت رسوب، سنگ‌های کلیوی دردناک را پدید می‌آورد.

شیوه‌ی جدید درمان آنوریسم آئورت

پزشکان بیمارستان اوزاکای ژاپن با استفاده از یک رگ مصنوعی موفق شدند بیماری را که به آنوریسم آئورت (گشادی شریان) مبتلا بود معالجه کنند. این پزشکان این عمل را با استفاده از یک کاتتر که حاوی رگ مصنوعی بود، انجام دادند. آنان پس از وارد کردن کاتتر به یکی از رگ‌های رانی (فمورال) پای یک مرد ۶۸ ساله، رگ مصنوعی را به ناحیه صدمه دیده‌ی آئورت پیوند زدند. در این شیوه فشار کمی به بیمار وارد می‌شود و به همین خاطر استفاده از این روش برای افراد مسن مناسب تشخیص داده شده است.

روش نوین برای جراحی مغز

پزشکان ژاپنی برای انجام عمل‌های حساس بر روی مغز، ابتدا این عمل را بطور آزمایشی بر روی قالب‌های پلاستیکی مشابه انجام می‌دهند. معمولاً برای انجام عمل‌های جراحی مغز از تصاویر کامپیوتری که از لایه‌های مغز بیمار برداشته شده و سی‌تی‌اسکن نامیده می‌شود، استفاده می‌شود. در روش نوین تصاویر گرفته شده توسط اشعه لیزر روی رزین (صمغ) مصنوعی یا سازی و به قالب پلاستیکی دقیقاً مشابه مغز بیمار با همه‌ی جزئیات آن، تبدیل می‌شود. پزشکان می‌توانند با کمک این روش عمل‌های دقیق مغزی را که حتا یک میلیمتر اشتباه در آن می‌تواند به مرگ بیمار منجر شود، انجام دهند.

خطر کار در میدان‌های مغناطیسی

بزه‌های اخیراً انجام شده در دانشگاه کارولینای شمالی آمریکا نشان داده است که کارگرانی که مدت‌های طولانی در محیط‌های دارای میدان مغناطیسی کار کرده‌اند، دوبرابر بیشتر از دیگران به تومور سرطانی مغز مبتلا می‌شوند. بررسی دیگری نشان داده است که این کارگران هم چنین ۲/۵ برابر بیشتر سرطان خون می‌گیرند. با توجه به اینگونه تحقیقات، پزشکان توصیه می‌کنند که مگر در شرایط کاملاً ضروری، از وسایلی مانند تشک‌های برقی بطور مداوم استفاده نشود.

ورود مایکروسافت

به مسابقه ایجاد بزرگراه اطلاعاتی

شرکت مایکروسافت بزرگترین تولیدکننده نرم‌افزارهای کامپیوتری اعلام کرد از سال آینده خدمات اطلاعاتی خود را از راه خط‌های تلفن، به دارندگان کامپیوترهای شخصی در سراسر جهان عرضه خواهد کرد. این شرکت قرار است تا چند ماه دیگر نرم‌افزار تازه‌ی بی‌نام ویندوز ۹۵ را در بازار عرضه کند و به این ترتیب دارندگان آن با استفاده از امکانات این نرم‌افزار خواهند توانست با اتصال به شبکه‌ی تلفن محلی خود، به بزرگراه اطلاعاتی متصل شوند. طبیعی است که در این صورت با تعرفه‌ی تلفن شهری می‌توان با کسانی که در دیگر کشورها ساکن هستند ارتباط کامپیوتری برقرار کرد. چند شرکت تلفن بزرگ بین‌المللی آمادگی خود را برای همکاری با بزرگراه اطلاعاتی شرکت مایکروسافت که نام مارول برای آن انتخاب شده است، اعلام کرده‌اند و این خدمات می‌تواند در بیش از ۳۵ کشور جهان عرضه شود. در حال حاضر حدود صد و پنجاه میلیون نفر در جهان دارای کامپیوتر شخصی هستند که بیش از ۸۵ درصد آن‌ها از نرم‌افزارهای شرکت مایکروسافت استفاده می‌کنند اما تنها حدود ۶ میلیون نفر از آن‌ها از خدمات شبکه‌های اطلاعاتی تلفنی بهره‌مند می‌باشند.

صادرات گزارش کردند و درخواست نمودند اقدامی جدی در مورد مجرمین از جمله مدیربانک اعمال شود. توضیحات بی‌اساس در این مورد توسط بانک مرکزی ارائه گردید و مطابق معمول پرونده بسته شد دولت، اعم از دولت‌های بزرگ و کوچک، در فرایندی هستند که زمان، پول و منابع را برای تحصیل سطوح قابل قبولی از رشد اقتصادی صرف می‌کنند. همه بر این عقیده هستند که آنچه به حساب می‌آید نایب قضیه است و نه آنچه برنامه ریزان قصد انجام آن را دارند. دوران بزهای اخفش و شارلاتان‌ها مدت طولانی است که بسر آمده است. آینده متعلق به مردم درستکار و متخصص سخت‌کوش است. تردیدی نیست که آقای رفسنجانی رئیس جمهور مایل است مردم زندگی آبرومند و محترمانه‌ای داشته باشند. ولی موضوع اساسی که ایشان و دستیاران وی باید درک نمایند آن است که نمی‌توان رشد اقتصادی را با تورم به دست آورد. این یک اشتباه فزاینده است که دولت رفسنجانی در حال ارتکاب آن است و چنانچه این فلسفه اقتصادی کنار گذاشته نشود، بزودی وضعیت بصورت یک فاجعه اقتصادی ظهور خواهد نمود.

گزارش به امضاء کنندگان "متن ۱۳۴ نفر نویسنده"

هشت نفر از امضاء کنندگان نامه «نویسنده ایم» نرغز باهني، محمد خلیلی، فرج سرکوهی، سیماکوبان، منصور کوشان، هوشنگ گلشیری، محمد محمد علی و محمد مختاری در گزارشی که به امضاء کنندگان این نامه داده‌اند به پاره‌های از اتهامات، انتقادات و همچنان فحاشی‌هایی که پس از انتشار نامه مذکور صورت گرفته پاسخ داده‌اند. نظر به اهمیت این گزارش متن کامل آن را برای آگاهی خوانندگان کار درج می‌کنیم.

۱- آقای سمن لنگرودی در مصاحبه با کیهان هوایی (شماره ۱۱۰۶ و ۱۱۰۵ از ۲۹) گفته است: چنانچه حقیقت داشته باشد که گرد آورندگان امضا بر اثر سلیقه شخصی اسامی تعدادی را از متن حذف و به افرادی نیز اضافه کرده باشند، من قطعاً در موضع خود تجدید نظر کرده امضای خود را پس خواهم گرفت.

۲- با احتساب این که نامه سفارشی قطعاً در داخل کشور زودتر از خارج به مقصد می‌رسد و دست کم یک هفته زمان لازم است تا نامه‌ای به اروپا برسد، متن برای انجمن جهانی قلم فرستاده شد.

۳- در تاریخ ۷۳/۷/۲۳ صرفاً یافتن راه (چون قاعده نشر مجلات) برای بهبود وضع نشر کتاب به طور عموم بوده است.

۴- در تاریخ ۷۳/۷/۲۳ ما هواره خیر من را منتشر کرده، یعنی درست هفت روز پس از پخش و توزیع آن در داخل کشور. رسماً نیز تاکید می‌کنیم که متن از سوی هیچ یک از ما به ما هواره با خیرگزاری‌های خارجی که در داخل هم نماینده دارند داده نشده است.

۵- آقای منصور کوشان تماس گرفته و جویای چند و چون نامه‌ای شده است که هنوز به دستشان نرسیده بوده، آنها پرسیده‌اند: در حال حاضر آقای عباس معروفی سردبیر مجله گردون... در اعتراض به حذف نام بعضی از امضا کنندگان از جمله آقای جمشیدی یا آقای دهباشی امضایشان را پس گرفته‌اند. دلیل این اختلافات چیست؟

۶- در تاریخ ۷۳/۷/۲۳ ما هواره خیر من را منتشر کرده، یعنی درست هفت روز پس از پخش و توزیع آن در داخل کشور. رسماً نیز تاکید می‌کنیم که متن از سوی هیچ یک از ما به ما هواره با خیرگزاری‌های خارجی که در داخل هم نماینده دارند داده نشده است.

۷- آقای منصور کوشان تماس گرفته و جویای چند و چون نامه‌ای شده است که هنوز به دستشان نرسیده بوده، آنها پرسیده‌اند: در حال حاضر آقای عباس معروفی سردبیر مجله گردون... در اعتراض به حذف نام بعضی از امضا کنندگان از جمله آقای جمشیدی یا آقای دهباشی امضایشان را پس گرفته‌اند. دلیل این اختلافات چیست؟

۸- متن به یک خیرگزاری خارجی، آقای عباس معروفی مطالبی را علیه آن اب اطلاع آنها رسانده است. ۷۳/۸/۱ شب هنگام، رادیویی بی‌سی‌آی آقای هوشنگ گلشیری تماس گرفته و از چند و چون متن جویا شده است.

۹- مصاحبه فردی برخی از امضا کنندگان در پی تماس رادیوهای خارجی با آنان پس از تاریخ ۷۳/۸/۱ بوده است.

۱۰- تاکید می‌کنیم که از زمان رسیدن نامه سفارشی به نهادها و نشریه‌های یاد شده، و پس از تسلیم متن به امضا کنندگان، هرگونه «بازتاب» یا برداشت از آن، چنان که در متن نیز یاد شده، از مسئولیت ما خارج است.

۱۱- ما در تهیه و ارسال آن فراهم بود و فضای فرهنگی مناسب برای انتقاد و داوری فراهم می‌آمد، نه طراحان ایرادها و اتهام‌ها به مخدوش کردن حقایق دچار می‌شدند و نه امضا کنندگان و گرد آورندگان امضا به زحمت می‌افتادند.

نحوه عرضه متن
۱- ۷۳/۷/۲۳ تنظیم نهایی امضاها و تایپ متن و یادداشت ضمیمه به پایان رسید.

پس از مطرح شدن متن ۱۳۴ نویسنده، کوشش گسترده‌ای برای مخدوش کردن آن از سوی نشریه‌های مختلف آغاز شد که هنوز هم ادامه دارد. نشریه‌هایی چون: کیهان هوایی، کیهان، اطلاعات، جمهوری اسلامی، رسالت و... تاکنون به شیوه‌های متناسب با اخلاق و مواضع خویش به هجو متن، تهاجم به امضا کنندگان و پرونده‌سازی برای آنان، طرح انتقادهای بی‌دلیل یا بی‌ارتباط با موضوع متن پرداخته‌اند. مجله گردون نیز گرد آورندگان امضا را مورد حمله قرار داده، و به پرونده‌سازی روی آورده است. در این دو ماهه دشنام و تحریف، اتهام و پرونده‌سازی و مرحله قابل تشخیص است:

در مرحله نخست، اصل متن و انتخاب مقطع زمانی برای نگارش نامه (کیهان شماره ۲۱۰، ۲۱۰ و ۱۶) و کل امضا کنندگان مورد حمله قرار گرفته‌اند بازناب متن در رسانه‌های خارجی به هماهنگی با مقاصد تبلیغاتی امپریالیستی (کیهان هوایی شماره‌های ۱۱۰۹-۱۱۰۵) تعبیر و تبلیغ شده است. در عین حال، اعتراض بعدی تنی چند از امضا کنندگان به نحوه عرضه متن و حرکت به اصطلاح «غیر مکرراتیک» گرد آورندگان امضا در حذف و سانسور برخی از اسامی بر اساس سلیقه شخصی (کیهان هوایی شماره‌های ۱۱۰۹-۱۱۰۵) و «عدم مراجعه آنان به شماری از نویسندگان دیگر» (کیهان هوایی شماره ۱۱۰۹ ص ۲) مستمسک تبلیغاتی و حملات علیه متن و امضا کنندگان بوده است. در مرحله دوم، جهت حملات برگرد آورندگان امضا متمرکز شده است. این چند تن به «اغراض سیاسی، ارتباط پشت پرده با موسسات امپریالیستی» (کیهان هوایی، شماره‌های ۱۱۰۸ و ۱۱۰۹) و «سپردن شتابزده بی‌بینه به بنگاه‌های خبری خارج از کشور، برخلاف قرار و تعهد قبلی» (اطلاعات، شماره ۲۰۳۶۸، ص ۷) و «ملعبه قراردادن ۱۳۴ تن» (کیهان هوایی و جمهوری اسلامی) متهم شده‌اند. حتی «چاپ نشدن متن در داخل کشور و سرد آوردن آن از جاهای دیگر» تقصیر رهبری ناآگاه خوانده شده است (گردون، شماره ۴۳، ص ۶۳).

این گونه برخوردها، که البته به شیوه‌های مختلف در این دو ماهه مکرر شده است، در حالی ادامه یافته است که اصل متن تاکنون مستقلاً در هیچ نشریه‌ای به چاپ نرسیده است. تنها در مرحله دوم، یعنی در دو هفته اخیر، متن یک بار با ذکر اسامی امضا کنندگان در کیهان هوایی و یک بار هم بدون اسامی در گردون و البته هر دو بار همراه با نوعی هجو و تحقیر درج شده است.

اما مسایل مطرح شده می‌تواند به دودسته تقسیم کرد:

الف - تحلیل‌ها و تفسیرها و داستان‌های ساخته و پرداخته توسط نشریه‌ها که با حمله به متن و کل امضا کنندگان همراه است.

ب - توضیح‌ها، اعتراض‌ها، تحریف‌ها، و برخی مسایل مربوط به نحوه عرضه متن و عمل گرد آورندگان امضا.

ما گرد آورندگان امضا و ارسال کنندگان متن در صدد نیستیم به تمام مسایل و مطالب و تفسیرها و تحلیل‌های یاد شده پاسخ گوئیم، با تحلیل و تحلیل خود را درباره متن و بی‌آمدهای آن ارائه دهیم. پاسخ این گونه مسایل، اگرچه همانند دیگر امضا کنندگان حتی فرد فرد ما است، اما جزء وظایف و مسئولیت محول شده به ما نیست. جلسه مشورتی و یا امضا کنندگان اگر ضروری بدانند خود درباره چنین مسایلی توضیح خواهند داد. آن چه اکنون به ما مربوط است توضیح درباره «طرز عمل ما در گردآوری امضا» و نحوه عرضه متن است. در این توضیح نیز تنها به طرح حقایق می‌پردازیم که متأسفانه متهم کنندگان و معترضان یا به رغم اطلاع از آنها به تحریف متوسل شده‌اند، و با درصدهای عدم اطلاع از خود ما را، چند و چون کامل آنها نبوده‌اند تا دست کم قضاوت‌ها با شنیدن اظهارات متهمان صورت پذیرد. روش مانیز در این توضیح وفاداری به شان فرهنگی جلسه مشورتی و نویسنده‌گان امضا کننده است و رغم این که بازبان دیگری درباره ما سخن گفته شده است، از زبان فرهنگ عدول نخواهیم کرد.

با توجه به این مقصود، با طرح موارد مستند و مکتوب منتشر شده به روشنگری درباره دو مسئله مربوط به عملکرد خود، عرضه متن و گردآوری امضا می‌پردازیم. ضمناً گزارش تقدیم شده به جلسه مشورتی در تاریخ ۷۳/۸/۱ که به تصویب جمع رسیده است، برای تکمیل توضیحات به پیوست تقدیم می‌گردد.

ما، اگرچه خود را مصون از خطا نمی‌دانیم، معتقدیم که حقیقت پشتوانه عمل ماست و طرح و کشف آن در جهت وظیفه‌ای است که جلسه مشورتی بر عهده ما گذاشته بوده، و تاکید می‌کنیم که اگر از آغاز نیز امکان چاپ متن و توضیح مسایل مربوط به تهیه و ارسال آن فراهم بود و فضای فرهنگی مناسب برای انتقاد و داوری فراهم می‌آمد، نه طراحان ایرادها و اتهام‌ها به مخدوش کردن حقایق دچار می‌شدند و نه امضا کنندگان و گرد آورندگان امضا به زحمت می‌افتادند.

۱۱- ما در تهیه و ارسال آن فراهم بود و فضای فرهنگی مناسب برای انتقاد و داوری فراهم می‌آمد، نه طراحان ایرادها و اتهام‌ها به مخدوش کردن حقایق دچار می‌شدند و نه امضا کنندگان و گرد آورندگان امضا به زحمت می‌افتادند.

۱۲- ما در تهیه و ارسال آن فراهم بود و فضای فرهنگی مناسب برای انتقاد و داوری فراهم می‌آمد، نه طراحان ایرادها و اتهام‌ها به مخدوش کردن حقایق دچار می‌شدند و نه امضا کنندگان و گرد آورندگان امضا به زحمت می‌افتادند.

۱۳- ما در تهیه و ارسال آن فراهم بود و فضای فرهنگی مناسب برای انتقاد و داوری فراهم می‌آمد، نه طراحان ایرادها و اتهام‌ها به مخدوش کردن حقایق دچار می‌شدند و نه امضا کنندگان و گرد آورندگان امضا به زحمت می‌افتادند.

۱۴- ما در تهیه و ارسال آن فراهم بود و فضای فرهنگی مناسب برای انتقاد و داوری فراهم می‌آمد، نه طراحان ایرادها و اتهام‌ها به مخدوش کردن حقایق دچار می‌شدند و نه امضا کنندگان و گرد آورندگان امضا به زحمت می‌افتادند.

۱۵- ما در تهیه و ارسال آن فراهم بود و فضای فرهنگی مناسب برای انتقاد و داوری فراهم می‌آمد، نه طراحان ایرادها و اتهام‌ها به مخدوش کردن حقایق دچار می‌شدند و نه امضا کنندگان و گرد آورندگان امضا به زحمت می‌افتادند.

۱۶- ما در تهیه و ارسال آن فراهم بود و فضای فرهنگی مناسب برای انتقاد و داوری فراهم می‌آمد، نه طراحان ایرادها و اتهام‌ها به مخدوش کردن حقایق دچار می‌شدند و نه امضا کنندگان و گرد آورندگان امضا به زحمت می‌افتادند.

۱۷- ما در تهیه و ارسال آن فراهم بود و فضای فرهنگی مناسب برای انتقاد و داوری فراهم می‌آمد، نه طراحان ایرادها و اتهام‌ها به مخدوش کردن حقایق دچار می‌شدند و نه امضا کنندگان و گرد آورندگان امضا به زحمت می‌افتادند.

حمایت، نویسنده‌گان فرانسوی
از بیانه ما نویسنده ایم
نزدیک به ۸۰ نفر از نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران فرانسوی با انتشار متنی حمایت کامل خود را از بیانه ۱۳۴ نفر نویسنده، شاعر و مترجم ایرانی که به بیانه «ما نویسنده ایم» مشهور شده است اعلام داشتند.
در این متن که امضای چهره‌های سرشناسی همچون ژاک مریدا و گوستاو گاوراس در پی آن دیده می‌شود، اختناق و سانسور حاکم در ایران محکوم شده و خواست مشروع نویسندگان ایران مبنی بر رفع محدودیت‌های موجود بر سر راه آزادی اندیشه و بیان مورد حمایت قرار گرفته است.

چنان که آقای لنگرودی خود در جریان بحث‌های مربوط به متن بوده است، آن چه از طرف ۱۳۴ نویسنده منتشر شده، یک متن است نه یک نامه. در یادداشت ضمیمه نیز که برای همه نهادها و نشریه‌ها فرستاده شده، یادآوری شده است که «این متن حاوی پاره‌ای از مشترکات گروهی از نویسندگان ایران است که از پاییز سال ۱۳۷۲ با هم نشست‌های مشورتی داشته‌اند». پس چنین نوشته‌ای نامه نبوده است تا بی‌مخاطب بودن آن مورد انتقاد قرار گیرد.

ب - در مسئله سوم آقای حسامی (شنیده‌ام تنظیم کنندگان...) اشاره می‌کنیم: این نسبت کذب محض است. ما درباره متنی که جلسه مشورتی تنظیم کرده بود، حق مشورت با هیچ کس را نداشته ایم و با کسی نیز مشورت نکرده ایم. (همچنانکه جلسه مشورتی نیز در تنظیم متن نظر هیچ فردی بیرون از گروه نویسندگان را جویا نشده است.) و به ترتیبی که پیشتر اشاره شد، صبح روز ۷۳/۷/۲۵ متن را ارسال کرده ایم. اما بنا به اظهار آقای منصور کوشان که در فاصله بیست تا بیست و پنج مهر در سفر بوده است، ایشان بعد از ظهر بیست و پنجم برای طرح پاره‌ای از مشکلات مربوط به مجله تکا پوریا آقای مهاجرانی دیدار رسمی داشته است که ربطی به وظایف و عملکرد گرد آورندگان امضا ندارد.

۶- آقای دکتر آریانپور (کیهان هوایی، شماره ۱۱۰۸، ص ۲): گفته است: در مهر ماه (اسفند) دوستانم خبر داده‌اند که متأسفانه بعضی از موسسات کشورهای امپریالیستی و از آن جمله «انجمن بین‌المللی قلم» در کار انجمن مورد نظر (تنظیم کنندگان متن) مداخله دارند و بدین سبب برخی از مقامات حکومتی به انجمن سازان بدگمان شده‌اند.

چون از دیرباز نسبت به مقاصد امپریالیسم ادبی و مخصوصاً ماهیت سیاسی «انجمن بین‌المللی قلم» خوشبین نبوده‌ام... من و دوستانم بعد از توقف بر رابطه انجمن مورد نظر و «انجمن بین‌المللی قلم» از انجمن مورد نظری گردانیدیم.

درباره مطالب آقای آریانپور در این جا سخنی نداریم، جز این که دخالت موسسات امپریالیستی در کار ما اتهام و پرونده‌سازی است.

۸- آقایان دکتر زریاب خوبی و محمد قاضی در نامه‌ها و مصاحبه‌ها، بنا به تعبیر و جمع بند روزنامه اطلاعات (شماره ۲۰۳۶۸، ص ۷) چنین گفته‌اند: ما متن نامه را با این تصور که حرکتی صنفی، فرهنگی و غیرسیاسی است. امضا کردیم و سوء استفاده وسیع رسانه‌های وابسته به حکومت‌های غربی از یک موضوع معمولی را پیش بینی نمی‌کردیم و اکنون این سوء استفاده را محکوم می‌کنیم.

۹- خانم شهلا لا هیجی خود درباره مطالبی که برخی از روزنامه‌ها به ایشان منسوب کرده‌اند، توضیح داده و نظر خود را (کیهان هوایی، شماره ۱۱۰۹، ص ۲) مشخصاً چنین اعلام داشته است:

هرگونه بهره‌برداری سیاسی از این نامه مغایر با مفاد و خواست امضا کنندگان است.

۱۰- خانم میهن بهرامی سوء استفاده رسانه‌های خارجی را از انتشار متن محکوم کرده است (اطلاعات، شماره ۲۰۳۶۸، ص ۹).

چنانکه پیداست، اظهارات این چهار تن به گرد آورندگان امضا ارتباط ندارد.

۱۱- آقای سیروس نیرو (کیهان هوایی، شماره ۱۱۰۸، ص ۲) گفته است:

نام اینجانب ذیل نامه با اطلاعیه‌ای که متن آن را تا امروز دیده‌ام به همراه اسامی تعدادی دیگر از شاعران و نویسندگان و هنرمندان درج شده است. حداقل اصول اخلاقی ایجاب می‌کند که در این موارد، متن نامه به اطلاع فرد برسد تا او بتواند در مورد امضا یا عدم امضای آن تصمیم بگیرد. دست کم در مورد بنده این اصل اخلاقی رعایت نشده است و حتی اعتراض و گلایه برای اینجانب محفوظ است.

بنابراین اظهار آقای کوشان که مسئول مراجعه به ایشان بوده است، آقای نیورد و برای رویت متن مراجعه کرده که البته متن در دسترس نبوده است. بار دوم پس از اطلاع از محتوای متن موافقت خود را با امضای آن می‌گوئیم:

گزارش از مراسم مرکزی بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران

گرامیداشت جنبش فدائی برای ما نه تنها پاسداری از یک سنت و تجلیل از گذشتگان، که فراتر از آن، پاس داشتن عهد خود و تجدید میثاق در وفاداری به خویش است. ما به آزمون مکرر این پرسش که "با خود وفادار می‌مانیم آیا / یا راهی سهل‌تر اختیار می‌کنیم" با حفظ آنچه که داشتنی است و واپس نهادن آنچه که بجا گذاشتنی است

ما همان فدائیانیم!

بخش سرودهای خاطر انگیز سازمان. یادها را به کوچه باغ‌های خاطرات او ان شکل گیری سازمان و سال‌های پرتلاطم خیزش توده‌ای او اخرد دهه ۵۰. سرودهایی در وصف میهن مان ایران، میهن و جنگل عاشقان، بوم آزادگان، لاله خون‌فشان، شعله بیکران و میهن کاویان، با امید آن که شب‌های وطن زیبا یمان تا سپیده دمان ستاره باران باشد و یاد عوت به برافراشتن یک درفش، خواندن یک سرود و بر خیزاندن شراری تا که آفتاب زین را بر فراز ایران مان بیاویزیم.



غرامت شکستی دیگر، به خود باز آئیم. و انهم مطلق نگرگی کوتاه بینانه را، خود کامگی درون را و توهم را. و پاس بداریم حقیقت را، آزادی را، انسان را. زمستان باید که درگذرد، اما پیش از آن باید "قلعه‌ای عظیم" را فتح کنیم که طلسم دروازه‌اش، کلام کوچک دوستی است.

دوستی تو ومن به یگانگی ما نیروهای ملی و مردمی، که رمز رهایی از دیروز، امید بالنده امروز و گشاینده راه فرداست.

روز شنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۷۳ (۱۱ فوریه ۱۹۹۵) مراسم مرکزی بزرگداشت بیست و چهارمین سالگرد حماسه سیاهکل، ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، روز بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق با حضور صد ها تن از فدائیان خلق و دوستان و دوستانان سازمان در شهرین آلمان برگزار شد. مراسم امسال شامل دو بخش بود.

دو بخش نخست برنامه‌ها تحت عنوان گفتگو با جمعی از مسئولین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفقا مهدی ابراهیم زاده، علی پورنقوی و بهزاد کریمی اعضای شورای مرکزی سازمان به تشریح مواضع سازمان و پاسخگویی به سؤالات خبرنگاران و دیگر حاضرین پرداختند.

با اتمام بخش اول برنامه،

جشن ۱۹ بهمن در سوئد

بعد از ظهر روز ۱۱ فوریه مراسمی به مناسبت بیست و چهارمین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران در شهر استکهلم سوئد برگزار گردید.

این مراسم که از سوی شورای هماهنگی فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سوئد تدارک دیده شده بود با حضور میهمانان و دوستان سازمان گرمای بیشتری یافت.

مراسم با خوش آمد گویی و اعلام یک دقیقه سکوت بیاد شهدای گرانقدر سازمان و جنبش آزادیخواهی مردم ایران آغاز گردید. در پی آن پیام شورای مرکزی به مناسبت ۱۹ بهمن خوانده شد. پس از قرائت پیام بخش هنری برنامه‌ها آغاز گردید. در این بخش میهمانان شاهد هنر نمایی گروه رقص آمریکای لاتین بودند. این هنرمندان با لباسهای رنگارنگ و آهنگهای شاد خود بر شادی میهمانان افزودند. پس از رقصهای

سرا انجام بهار آمد. نهال رسته در دامن جنگل با دید گانی به اشک شوق شسته و لبانی به نوید آزادی گشوده عظم جنگل را دریافت و ناگوارائی را از چشمه بهار پنهان زد.

بهار عطر باور به زندگی، زیبایی و شادی و باور ما مردم به سزاواری مان در بر خورداری از موهبت آزادی را در دل‌ها افشاند. اما در بیخ که بهار زود گذر بود. به افسون سامری خنده شکر فیه در حجاب غبار افسرد، آواز در گلولی فناری فروماند، پرواز در بال پروانه فرسود، و باغ، در قفس ملال، محصور شد.

باز... شبیخون شب زدگان بود بر خیمه‌های امید ما و فاجعه مهیب تر و جانگزا تر از آنچه بود یا می‌توانست به گمان آید. زمان به سده‌های دور، به عصر خلافت، به عصر یگانگی حکومت و شریعت، به عصر سنگسار عقیده و وجدان، جسم و جان به جرم دیگر بودن بازگشت. و افسوس که مطلق نگرگی سهل انگارانه ما مردم استبداد زده آزادی نیاز موده نیز هموار کننده راه این دوزخ شد.

و اینک، باز ما تئیم؛ پردازنده

مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به نمایندگی از سوی شورا به سخنرانی پرداخت. وی سخنان خود را با طرح این پرسش آغاز کرد که آیا ما هنوز آن فدائیان ۲۴ سال پیشیم؟ او در ادامه به ذکر تغییرات و در گزونی‌هایی پرداخت که سازمان در گذر سال‌ها در زمینه بسیاری از اعتقادات بنیادی و سیاسی و ششون حیات سازمانی و اجتماعی خود از سر گذرانده است. رفیق احمدی در بخش پایانی سخنانش به پرسش آغازین خود پاسخ مثبت داد. "آری، ما همان فدائیانیم، چرا که در مردم را و منافع مردم را همواره و برای درد و منافع خود و سازمانمان گذاشته‌ایم.

در بخشی از برنامه کاک کریمی به نمایندگی از حزب دموکرات کردستان ایران به مناسبت بیست و چهارمین سالگرد بنیان گذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به ایراد سخنرانی پرداخت. وی در سخنان خود بر میرا نبودن احزاب سیاسی از خطا انگشت گذاشت. کاک کریمی در بخش دیگری از سخنان خود اتهام جدائی طلبی حزب دموکرات کردستان ایران را رد کرد. او با تاکید بر صمیمیت رابطه میان حزب دموکرات کردستان ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان را از نزدیک ترین متحدین



حزب خود خواند. هنرمندانی که به جشن دعوت شده بودند، با اجرای برنامه‌های زیبا مورد استقبال بسیار قرار گرفتند. ابتدا خانم زویا بروی صحنه آمد و سپس آقای ظروفچی به اجرای ترانه‌های آذری پرداخت. هنر نمایی گروه رقص‌های ایرانی، گروه متروپولیس از جمله بخش‌های دیگر برنامه هنری بود. شوان، نامدارترین خواننده کرد، امسال نیز میهمان برنامه فدائیان بود و در ورنج و مبارزه مردم را در غالب ترانه‌های پر شور و تصویر کشید و در پایان برنامه نوبت به خانم فرشته خواننده مشهور و قدیمی رسید که با اجرای ترانه‌های خاطر انگیز فارسی و آذری جشن ما را گرم‌تر و پر شورتر سازد.

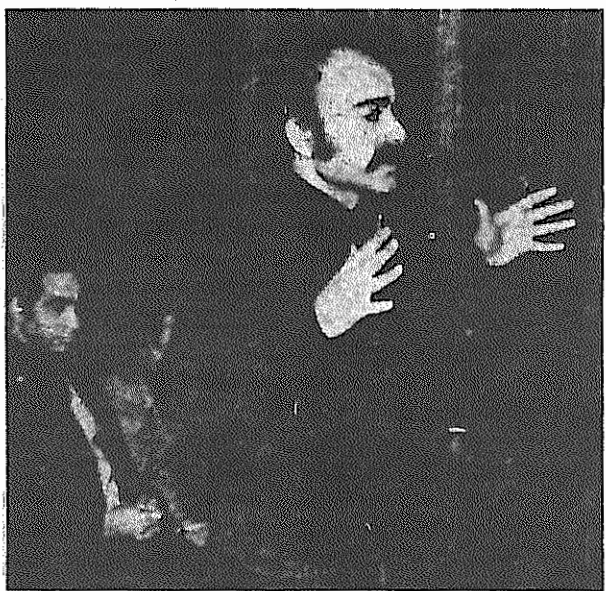
مراسم ۲۴مین سالگرد بنیادگذاری جنبش فداییان، تا پاسی از شب ادامه داشت.

توضیح

متاسفانه به دلیل پاره‌ای مشکلات موفق نشدیم، گفتگوی سه تن از مسئولان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به مناسبت بیست و چهارمین سالگرد جنبش فدائیان خلق را در این شماره "کار" به چاپ برسانیم. بخش‌های برگزیده این گفتگو در شماره آتی از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت.

به یاد خسرو کرامت

دفاع ما جز دفاع از حقوق توده‌های مردم نیست



در سحرگاه ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۲، رژیم ستم شاهی، خسرو گل‌سرخ و کرامت دانشیان را به جرم دروغین سوء قصد علیه شاه، به جوخه اعدام سپرد. گل‌سرخ و دانشیان در بیدادگاه شجاعانه از آرمانها و مردم خود به دفاع پرداختند. پیش و پس از این دو نیز بسیاری از آزادی خواهان ایرانی، بیدادگاه‌های شاهی را به صحنه محکومیت آن رژیم تبدیل کرده بودند، اما از آنجا که محاکمه گل‌سرخ و دانشیان بطور مستقیم از تلویزیون پخش شد و مردم آن را دیدند و از آن آگاهی یافتند، بازتابی ماندنی یافت و نشان داد که فرزندان آزادی خواه و عدالت‌جوی این سرزمین، چه سان تا لحظه مرگ به آرمان‌ها و مردم خود وفادار می‌مانند و با استبداد و مستبدین از در آشتی در نمی‌آیند.

ستارها، حیدر عمو اوغلی‌ها، پسیان‌ها و میرزا کوچک‌ها، ارانی‌ها و روزبه‌ها و وارطان‌ها داشته‌است... اتهام سیاسی در ایران نیازمند اسناد و مدارک نیست. خود من نمونه صادق اینگونه متهم سیاسی در ایران هستم. در فروردین ماه چنانکه در کیفرخواست آمده، به اتهام تشکیل یک گروه کمونیستی که حتی یک کتاب نخوانده است دستگیر می‌شوم. تحت شکنجه قرار می‌گیرم و خون‌آرامی‌کنم. بعد مرا به زندان دیگری منتقل می‌کنند. آنگاه هفت ماه بعد دوباره تحت بازجویی قرار می‌گیرم که توطئه کرده‌ام... اینک به عنوان توطئه گر در این دادگاه محاکمه می‌شوم. اتهام سیاسی در ایران این است. زندان‌های ایران پراست از جوانان و نوجوان‌هایی که به اتهام اندیشیدن و فکر کردن و کتاب خواندن توقیف و شکنجه و زندانی می‌شوند. آقای رئیس، همین دادگاه‌های شما آنها را محکوم به زندان می‌کنند. آنان وقتی که به زندان می‌روند و بر می‌گردند دیگر کتاب را کنار نمی‌گذارند و مسلسل به دست می‌گیرند. باید به دنبال علل اساسی گشت...

یک سازمان عریض و پرورگراسی تحت عنوان فرهنگ و هنر وجود دارد که تنها یک بخش آن فعال است و آن بخش سانسور است که به نام اداره نگارش خوانده می‌شود. هر کتابی قبل از انتشار به سانسور سپرده می‌شود... ولی آیا با تمام این اعمالی که صورت می‌گیرد، یا تمام این خفقان، می‌توان جلوی این آندیشه را گرفت؟

دانشیان نیز چون گل‌سرخ تا پایان بر سر اعتقاد خود باقی ماند: بیدادگاه اول، بنا به شرایط فاشیستی حاکم بر آن، دفاع ما را تا تمام نشد، همچنین گل‌سرخ را. اما من دفاعم جز دفاع از حقوق توده‌های فقیر و تحت ستم و حمله به ضد انقلاب و دشمنان قسم خورده مردم، چیز دیگری نیست

گل‌سرخ و دانشیان را همانند هزاران مبارز آزادی خواه دیگری جوخه اعدام سپردند. اما همانگونه که گل‌سرخ گفته بود، چه این دو گفتند و کردند به پرچمی تبدیل شد و هزاران هزار جوان با الهام از آنان مبارزه و سازش ناپذیری با استبداد و مستبدین و بیکار در راه آرمان‌های عدالت جویانه را امرختند.

گل‌سرخ در بیدادگاه چنین گفت:

من در دادگاهی که نه قانونی بودن و نه صلاحیت آن را قبول دارم، از خودم دفاع نمی‌کنم... هر چه شما بیشتر بر من بتازید، بر خودم می‌تازم، چرا که هر چه از شما دورتر باشم به مردم نزد یکترم. هر چه کینه شما به من و عقایدم بیشتر باشد، لطف و حمایت توده مردم از من قویتر است. حتی اگر مرا به گور بیاورند که خواهید سپرد مردم از جسدم پرچم و سرود می‌سازند.

رئیس دادگاه با به صدا در آوردن زنگ حرف‌های گل‌سرخ را قطع کرد: فقط از خودتان دفاع کنید!

گل‌سرخ گفت: از حرف‌های من می‌توسید؟ رئیس دادگاه: به شما دستور می‌دهم که ساکت شوید، بنشیند! گل‌سرخ پاسخ می‌دهد: به من دستور ندهید، بروید به سر جوخه‌ها و گروهبان‌ها پتان دستور بدهید. خیال نمی‌کنم صدای من آن قدر بلند باشد که بتواند وجدان خفته‌ای را بیدار کند. خوف نکنید، می‌بینید که در این دادگاه نیز سرنیزه‌ها از شما حمایت می‌کنند.

بیدادگاه، گل‌سرخ و دانشیان را به مرگ محکوم کرد. در دادگاه تجدید نظر گل‌سرخ هم چنان برخوردش باقی ماند: من در این دادگاه برای جانم چانه نمی‌زنم... من قطره‌ای ناچیز از عظمت و حرمان خلق‌های مبارز ایران هستم، خلقی که مزدک‌ها و مازیارها و بابک‌ها، یعقوب لیث‌ها،

ارزیابی کنفرانس ایران در سال ۲۰۰۰

کنفرانس های انجمن پژوهشگران ایران در دانشگاه لندن که از اول تا چهارم فوریه برگزار شد از این نظر اهمیت داشت که نیروهای با گرایش های مختلف سیاسی گرد آمدند و جمعیتی پدید آورد که آنها در بحثی رودررو ارزیابی دیگران درباره خود را بداند و نیز تصویری را که از دیگران داشتند و دوباره با واقعیت محک زدند.

دو نکته در مقدمه

۱- برای بسیاری این سؤال مطرح است که چطور شد این عده زیر یک سقف گرد آمدند و بحث و ارائه نظر خود پرداختند؟ جمهوری اسلامی چی ها و هم سنخ های شان غیر ممکن است کاسه ای را زیر نیم کاسه و دست قدرت ها و ابر قدرت ها را در پشت پرده ببینند. تفکر توپه گروکچ بین چه در تهران و چه در اینجا نمی تواند باور کند که زمینه و هدف این گرد هم آیی به تصمیمات، سیاست ها و مطامع قدرت ها، از جمله به گزارش وزارت خارجه آمریکا در نفی مجاهدین و سپس در نفی مطلق رژیم هیچ ربطی نداشته است. آنها هم چنین اصلاً باور نمی کنند که این همایش بدون هرگونه توافق و تصمیم مشترک شرکت کنندگان برگزار شده و هیچ مذاکره و نقشه پنهانی هم در حاشیه کنفرانس تدارک و یا انجام نشده است.

بسیاری از سخنرانان و نیز عموم حاضران، کنفرانس را حاصل زحمات بزرگ انجمن پژوهشگران ایران و رئیس آن دکتر لا جوردی دانستند.

اما نگاه دیگری نیز وجود دارد: نگاهی که این همایش را نه حاصل ترفند قدرت ها و ابر قدرت ها می بیند و نه آن را محصول مهارت این یا آن فرد مبتکر می داند؛ نگاهی که زمینه تشکیل این گفتگورا در نوعی تحول فکری تلقی می کند که در میان ما ایرانیان در حال نضج است. تشکیل این کنفرانس ها نشانه آن است که نیروی قابل ملاحظه ای امروز می دهند و مباحثه روشنگرانه را از دشنام های پر خاش گرانه سودمند تر می یابند.

اما اغراق در این ارزیابی خطائی جدی است. هنوز دو جریان سیاسی مهم یعنی مجاهدین و متحدین ایشان و حامیان ولایت فقیه و اطرافیان نشان هیچ کدام به گفتگو تن نداده اند. برخی چپ ها یا نیامدند و یا اگر آمدند برای توزیع فحش نامه و پر خاش بود. شاه پرستان دو آتشه نیز این تریبون و مستعین را جا و ترکیب مناسبی برای حرف های خود ندیدند. در میان چپ ها و دیگران

بسیاری از گام ها در آمدن به اجلاس لیزان و تا آخرین لحظات مشروط به آن بود که اگر آنها باشند من و یا ما نخواهیم بود.

این یعنی هنوز در میان ایرانیان تمایل به گفتگو تمایلی همگانی نیست. این یعنی هیچ معلوم نیست که در تناسب نیرو و شمار طرفداران زور و خشونت و دشنام از طرفداران دموکراسی، کمتر شده باشد. آنها، دست کم، کم امکان تر نیستند. فقط با توجه به این تناسب است که ارزش و اهمیت کار تدارک کنندگان سخنرانان و استقبال کنندگان آشکار می گردد.

۲- نوع بازتاب این کنفرانس در مطبوعات و رسانه ها آینه ای حساسی شد در بازتاب روش و منش نیروها در قبال روند تحول فکری بسوی دموکراسی در میان ایرانیان. همه مطبوعات استقبال و همکاری نکردند و بارزترین نمونه ی برخورد منفی، برخورد کیهان لندن بود. این نشریه با تحریف فضای کنفرانس و گفته های سخنرانان ناخشنودی و دل چرکینی گردانندگان اش از روندی که آغاز شده را به اذهان نیادر داد. آیا تصادفی بود که در گزارش، هیچ نامی از برگزار کنندگان برده نشد؟ آیا تصادفی بود که در گزارش، تمام انتقادات سلطنت طلبان به خود و به سلطنت پهلوی حذف و فقط ستایش از خود و انتقاد به دیگران برجسته شد و در مورد چپ ها عکس این عمل شد. آیا این تصادف است که مثلاً انتقاد یکی از مشروطه خواهان از سازمان های اطلاعاتی و جاسوسی غرب که با خرج پول و مداخله عملاً مانع تشکل مشروطه خواهان شده اند حذف و سوال دروغی که اصلاً در کنفرانس نیز مطرح نشده است در مورد مشارکت فدائیان در گوش و دماغ پدیدان جعل و جاشنی گزارش شد؟

نظرات این نیست که کار روزنامه نویس و تحلیل گر حامل خط و برداشت سیاسی معینی نباشد و بی طرف باشد. چنین چیزی شدنی نیست و ادعایش نیز عوام فریبی است. نظرات این است که تناقض میان دعاوی و اعمال زمینه همزیستی گرایش های سیاسی متضاد را تخریب و راه ایران بسوی دموکراسی رادشوارتر می کند.

با اطمینان باید گفت که زمان به زبان آن شیوه ی کهنه عمل می کند و جالب است که اندر زود رواندیشان در اشاره ی به روند باعث شد که گردانندگان اعلام کنند در صورتی که متن سخنرانی دیگران هم برایشان فرستاده شود احتمالاً به چاپ آن اقدام خواهند کرد. تردید نباید کرد که زمان از آنان و از دیگران نیز خواهد خواست که باز هم بیشتر خود را

سخنرانی ۹ تن از فعالان چپ در یک روز و نیم وقت بیشترین بحث ها را برانگیخت. چپ، چه در سخنرانی ها و چه در سالن نشان داد که امروز دیگر درک روشن و جا افتاده ای از دموکراسی نسبت به دیگران دارد

تصحیح کنند.

ارزیابی ارزیابی ها

در حاشیه کنفرانس ها بازار تحلیل و ارزیابی گفته ها بسیار داغ بود. اگر کسی بخواهد عین آنچه را که عرضه شد بداند یگانه راه این است که خود کنفرانس را ببیند. زیرا که هر برداشت و ارزیابی لا جرم با ملاک ها و مبانی ارزشی گره می خورد و لذا جانبدار است. این مقدور نیست که یک چپ تاثیر عمل سلطنت بر چپ ها و یا مذهبیون را انطور توصیف کند که خود آنها می کنند:

چپ

سخنرانی ۹ تن از فعالین چپ در یک روز و نیم وقت بیشترین بحث ها را برانگیخت. چپ، چه در سخنرانی ها و چه در سالن نشان داد که امروز دیگر درک روشن و جا افتاده ای از دموکراسی نسبت به دیگران دارد و حرفش در مقایسه با دیگران در این زمینه نقاط ابهام و تناقض کمتری دارد. کاملاً مشهود بود که خشونت کلام دوسه نظری که از موضع چپ حرف میزدند و پرخاش های شب نامه هایشان چهره نگار چپ نیست.

بیژن حکمت از تحول تفکر چپ و روند جاری آن تصویری روشن ارائه داد. فرخ نگهدار در سخنرانی اش روی سه خواسته عمده بعنوان ترسیم کننده سیمای چپ یعنی تجدید طلبی، دموکراسی و عدالت اجتماعی تاکید داشت. گرچه سخنرانی پایک امیر خسروی و علی کشتگر به نقد و نفی گذشته ی چپ متمرکز بود و این سخنان با استقبال گرم راست ها مواجه شد، با این حال مجموعه ی حرکت چپ ها در کنفرانس شیوه ی بسط آن عینی تر و پخته تر از هر گرایش دیگری است. اعتماد به نفس چپ در این زمینه با سال های قبلی قابل قیاس نیست.

از سوی دیگر تاثیر سخن چپ ها، چه آنان که در دفاع از انقلاب سوسیالیستی و لنینیسم صحبت کردند، چه آنها که اعلام کردند از این ایده ها دست شسته اند، این ذهنیت را در میان دیگران دامن زد که چپ ایران، بر خلاف برنامه اش برای دموکراسی، هنوز به برنامه ی جامع و همه پذیری برای بسط تمامین عدالت اجتماعی مجهز نیست، هر چند انگیزه افشای

بیداد فقر و ثروتی که سرمایه داری می آفریند در آنان ریشه دار است.

چپ ها در موضوع استقلال و ملی بودن موضع واحدی نداشتند. برای برخی ملی بودن، وابسته نبودن و ایرانیت و تمامیت ارضی و مفاهیم مشابه در معرفی چهره چپ نخستین اولویت بود. برخی دیگر تاکید داشتند که معرفی جنبش چپ به عنوان جنبش ملی، چه به مفهوم ضد امپریالیستی و یا استقلال طلبانه و چه به عنوان جنبشی سیاسی زیر شعار تمامیت ارضی یا اعتدالی هویت ایرانی، یا دورانش سر آمده و یا اهداف سرکوبگرانه ی داخلی را حمل می کند. واکنش نیروهای راست و میانه در برخورد با این اختلاف در صف چپ یکسان نبود.

جالب توجه بود که چپ ها در بین ۴ نیرویگانه جریانی بودند که در معرفی خود به عنوان جنبشی طرفدار حقوق زن و نیز مدافع حفظ محیط زیست تاکید آشکار داشتند.

ملیون

در روز نهضت ملی به علت غیبت ۴ سخنران، دونفر حاضر وقتی فراوان در اختیار داشتند. در سخنرانی آنان و در بحث های شفاهی این نکته کاملاً آشکار بود که ادامه دهندگان راه نهضت ملی مصدق در معرفی خود به مثابه نهضتی ملی گرایا چه دشواری های سنگینی مواجه اند. انقلاب بهمین، فروپاشی شوروی و کیفیت جهان معاصر جانی برای شعارهای آنان به مثابه جنبشی ملی گرا، یعنی خواهان موازنه منفی و ناوابستگی باقی نگذاشته است.

در عین حال آنها نشان دادند که از مفهوم حاکمیت ملت در کی روشن و قابل فهم دارند. و آن را به عنوان تامین آزادی سیاسی مردم سالاری از طریق انتخابات آزاد تلقی می کنند. ملیون همانطور که انتظار می رفت در زمینه رشد اقتصادی و رفح نابرابری های اجتماعی سیمای روشنی از خود تصویر نکردند. اما در کلام آنان تجدید خواهی جای ویژه ای داشت. تصویر ملیون در ذهن چپ در زمینه مشی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عموماً تصویر همان گرایش متعارف لیبرال بود که در همه جای دنیا شناخته شده است.

سلطنت

سومین روز با ۴ سخنران و ۲

غایب مختص "مشروطه خواهان" بود. آنها همه اصرار داشتند که نه سلطنت طلب که مشروطه خواه نامیده شوند. سخن و پیام آنها برای مردم یکسان نبود. سخن برخی چون خانم داداش پور بیشتر نقادی روش رژیم سابق در قبال مردم بود و دفاعی روشن از ضرورت احیای سلطنت در سخن وی مشهود نبود. حال آنکه سخن سه دیگر با مقایسه رژیم قبلی با فعلی و بر سردن مزایای آن بر این بود و یا تا کیدی بر عین بودن شاه پرستی با خون ایران و ایرانی. تاثیر سخن و اندیشه طرفداران احیای سلطنت پهلوی بر فعالان چپ در جهت هموارتر کردن راه دیالوگ با آنان نبود. زاویه نگاه آنان به مسائل از زاویه نگاه و فکریک روشنفکر بیشتر از آن فاصله دارد که از دوره به نظر می رسد. اینکه برخی از آنان پذیرفته اند نظام سلطنت را و حتی خود شاه را هم به رای مردم گذارند یک گام آشتی جویانه با مردم است. اما وقتی آنان در پاسخ کسانی که می گویند تضمین دموکراسی در جمهوری پارلمانی با نظام سلطنت قابل قیاس نیست، جواب می دهند: "بحث نکنیم. به رای مردم مراجعه کنیم" در جامعه نیروهای سیاسی مخالف، بخصوص در میان چپ ها به این برداشت دامن میزنند که طرفداران سلطنت، حتی آنان که رای مردم را پذیرفته اند، هنوز با روش و منش دموکراتیک فاصله بسیار دارند. این برخورد یاد آور رهبران انقلاب اسلامی بود که پس از انقلاب بهمین در جواب چپ ها که خواهان مقایسه جمهوری دموکراتیک و جمهوری اسلامی در بحثی علنی بودند گفتند بحث نکنیم. به رای مردم مراجعه کنیم.

در ضمن، اینکه مشروطه خواهان در این ۱۶ سال هنوز موفق به تاسیس حتی یک سازمان سیاسی شناخته شده و یا یار نداشته اند به تلقی عموماً پیرامون ظرفیت دموکراتیک در میان آنها هر روز بیشتر لطمه میزند. در جریان این دیدارها برای بسیاری روشن تر شد آنان که نمی توانند یا نمی خواهند بین خود مناسباتی دموکراتیک برقرار کنند برای جلب نیروهای دیگری همکاری دموکراتیک نیز ناتوانی های چشمگیر خواهند داشت.

مذهب

روز دیدار با مذهبیون برای چپ ها از این نظر آموزنده بود که از یک سو با کسانی مواجه بودند که از نظر اصول فکری، متد ارزیابی و شیوه رفتار، مدلی یکجای جدا گانه دارند و از سوی دیگر تمایلی ماندنی و ریشه دار در جامعه را نمایانند می کنند. همه روشنفکران مذهبی ما از

آستانه مشروطه تا امروز از جمله در همین کنفرانس نیز همواره سعی کرده اند نشان دهند که اسلام و آموزش های آن می تواند پاسخگویی نیازهای جامعه امروزی باشد، مسائل آن را حل کند و مطالبات جنبش های سیاسی و اجتماعی نوین را تحقق بخشد. همه ی آنها، بسته به اینکه از کدام گرایش اجتماعی یا طبقاتی تاثیر پذیرفته باشند کوشیده اند نشان دهند اتکاء به اسلام یگانه چاره ی کار ساز است. گرایش مذهبی ملی گرا روی نقش شیعه در تاسیس و حفظ هویت ملی و کیان ایران تاکید دارد، لیبرال های مذهبی روی سعه صدور و تحمیل بدیاری اسلام در سلوک با مخالفان و تطابق دموکراسی با اصول اسلام تاکید می کنند و طرفداران عدالت اجتماعی و جامعه بی طبقه اسلام را دین مستضعفین در پیکار علیه غارتگران معرفی می کنند.

علیرغم نقش روشنفکران مذهبی در غرب از عصر روشنگری بدین سو، در همین ما از عصر مشروطه بدین سو روشنفکران مذهبی ما عمدتاً پلی بوده اند برای بسط نقش دین در اداره ی جامعه مدنی مدرن، پلی که در عمل و در آخرین تحلیل راه بسط نقش و نفوذ روحانیت را نیز سهل تر کرده است.

سخن دکتر مهدی حائری در رابطه با ظرفیت اسلام در تامین هویت ملی، و حاکمیت ملت و توان آن در حل و فصل مسائل امروزی و تاکید وی بر نقش منفی روحانیت در این راستا و ضرورت حذف آن یاد آور سخن دکتر شریعتی در ظرفیت اسلام درالغای ستم طبقاتی و تاسیس جامعه آزاد مشروط به حذف روحانیت بود.

اما علیرغم تصورات قدیم چپ ایران در سال ها و دهه های قبل در استقبال از تعبیر ترقی خواهانه و مدرن از اسلام در جهت بسط توان آن برای اداره ی جامعه، امروز این تلاش ها هیچ ولوله و هیله ای در میان چپ ها پدید نمی آورد. آنچه امروز چپ ها و دیگر طرفداران جامعه مدنی مدرن از زبان مذهب و روشنفکران مذهبی انتظار دارند تاکید بر این حقیقت است که مذهب در جامعه مدرن امری وجدانی و شخصی است و باید از هوای اداره و حل و فصل مسایل عرفی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بپرهیزد. نامناسب دیدن و انتقاد از نقش روحانیت در رهبری جامعه مدرن هیچ معنایی ندارد و نمی تواند داشته باشد. جز نامناسب دیدن احکام و قوانین اسلامی برای هدایت و حل و فصل مسایل جوامع امروزی؛ و این سخنی است که بسیاری از روشنفکران مذهبی ما متأسفانه هنوز بیان و تبلیغ آن را آغاز نکرده اند.

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید تمدید اشتراک

مدت اشتراک: شش ماه یکسال

نام: تاریخ:

آدرس: Name:

Address:

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نمایید.

بهای اشتراک "کار"

اروپا:

ششماه — ۴۵ مارک

یکسال — ۹۰ مارک

سایر کشورها:

ششماه — ۵۲ مارک

یکسال — ۱۰۴ مارک

GER — 3 DM

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.

دارنده حساب: I.G. e.v.
شماره حساب: 22442032
کد پانک: 37050198
Verleger: I.G. e.v.
I.G. e.v.
Postfach 260268
50515 Köln
GERMANY
Stadtparkasse Köln
Germany

شماره فکس: 0049 - 221 - 3318290

یلتسین: جنگ چچن برای یکپارچگی روسیه لازم بود



بوریس یلتسین رئیس جمهور روسیه در نخستین نطق پارلمانی خود پس از آغاز جنگ چچن، اظهار داشت لشکر کشی به این جمهوری قفقاز برای حفظ یکپارچگی روسیه ضرورت داشت. یلتسین در عین حال مسئولیت تلفات بالای این جنگ را متوجه فرماندهان ارتش روسیه دانست که به گفته وی، به اندازه کافی آماده انجام جنگ نشده بودند. رئیس جمهور روسیه افزود: باید اذعان کنیم ارتش در حال حاضر، آمادگی لازم برای حل اختلافات منطقه ای را ندارد. یلتسین در سخنرانی خود در اجلاس مشترک دوما، مجلس

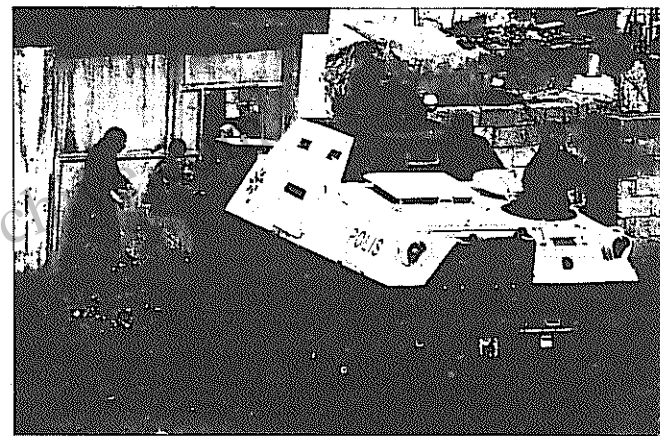
نمایندگان، و شورای فدراسیون روسیه، حکومت دودایف در چچن را یک دیکتاتور جنایتکار خواند و آن را به باند های قاچاق مواد مخدر در شهر مدین کلمبیا تشبیه کرد. رئیس جمهور روسیه خواهان بهبود تجهیزات و مدرنیزه کردن ارتش شد.

یلتسین در شرایطی نطق خود را ایراد کرد که میزان محبوبیت او در میان مردم، از آغاز جنگ چچن به پایین ترین سطح سال های اخیر تنزل کرده است. آنچه به ویژه در هفته های اخیر به اعتبار یلتسین لطمه زده، اخبار و شایعات درباره وضع

سلامتی او و عادت باده نوشی او است. دو هفته پیش، صحنه ای تلویزیونی از گشایش اجلاس سران جمهوری های سابق شوروی که در آن، یلتسین تلویزیون و یانکیه به نظریات رئیس جمهور قزاقستان، وارد ساختمان شد، روسیه را تکان داد.

هفته گذشته در جنگ چچن آتش بس برقرار شد. در گروسی مرکز چچن، نیروهای نظامی چچن دیگر حضوری ندارند. شهر به کلی ویران گردیده و از جانب مسکو، سوسکوتس معاون نخست وزیر، ماوراداره امور چچن شده است.

پارلمان اروپا اتحاد گمرکی با ترکیه را رد کرد



کردستان ترکیه شاهد هر روزه نقض حقوق بشر در ترکیه است. ناگهای ارتش ترکیه در برابر یک خانه روستائی شورشیان کرد را جستجو می کند

پارلمان اروپا با اکثریت نیرومندی، اتحاد گمرکی اروپا و ترکیه را رد کرد و موافقت با چنین قراردادی را منوط به تأمین حقوق بشر و دمکراسی در ترکیه نمود. برداشتن موانع گمرکی میان ترکیه و اتحادیه اروپا در قرارداد همکاری این دو که مربوط به ۱۹۶۳ است، پیش بینی شده، اما بارها به تعویق افتاده است. دولت ترکیه که امیدوار است با چنین قراردادی بتواند بر مشکلات اقتصادی خود غلبه کند، تا هنگام تنظیم این خبر از موضع گیری رسمی در برابر تصمیم پارلمان اروپا خودداری کرده بود. در ترکیه، تنها حزبی که با چنین قراردادی مخالفت می کند، حزب بنیادگرای رفاه است که انتظار می رود از رأی پارلمان اروپا برای تحکیم مواضع خود بهره گیرد.

توافق های جدید...

بقیه از صفحه ۱۲

می روند، می گشاید. همچنین دو طرف اعلام کردند که انجام گفتگوها درباره عقب نشینی نیروهای اسرائیل از کرانه غربی رود اردن را تسریع خواهند کرد. طبق قرارداد خودمختاری غزه و اریحا، مدت هاست که زمان عقب نشینی اسرائیلی ها از غرب رود اردن فرا رسیده است. این عقب نشینی، پیش شرط برگزاری انتخابات در سراسر کرانه غربی رود اردن و نوار غزه است.

رابین پیش از آخرین دیدار خود با عرفات گفت انتظار دارد رئیس حکومت فلسطینی، درباره پیشگیری هایی که در حوزه مسئولیت خود برای عقیم گذاشتن نقشه های افراطیون برای انجام عملیات تروریستی علیه اسرائیل انجام داده است، توضیح دهد. چند ساعت پیش از دیدار عرفات و رابین، پلیس فلسطین در نوار غزه هشت عضو گروه جهاد اسلامی را دستگیر کرد. همچنین اعلام شد که در شب قبل از مذاکرات عرفات و رابین، پلیس فلسطینی توانسته است یک تروریست انتحاری را در آخرین فرصت از انجام عملیات بازدارد.

به نظر می رسد اقدام اخیر عرفات در تشکیل یک دادگاه جدید امنیتی، تحت فشار اسرائیل انجام گرفته است. خبرگزاری فلسطینی وفا گزارش داد همه قضات این دادگاه که از سوی عرفات منصوب شده اند، نظامی اند. گروه های حقوق بشر فلسطینی علیه تشکیل دادگاه امنیتی اعتراض کرده اند.

چند تن از اعضای برجسته الفتح، بزرگترین گروه تشکیل دهنده سازمان آزادیبخش فلسطین، از جمله هانی الحسن، نخستین نماینده این سازمان در جمهوری اسلامی، گروه جدیدی به نام "جنبش متحد ملی-دمکراتیک" تأسیس کرده اند. این گروه با قرارداد خودمختاری اسرائیل و فلسطین مخالف است و به گفته هانی الحسن، با جنبش های بنیادگرای حماس و جهاد اسلامی تماس دارد.

خبرهای کوتاه از سراسر جهان

پاکستان: حکم اعدام به جرم کفر

یک پسر بچه ۱۴ ساله مسیحی و عموی او از سوی یک دادگاه شهر لاهور پاکستان به اتهام سخنان کفرآمیز به اعدام محکوم شدند. یک عضو دیگر این خانواده، توسط مسلمانان افراطی به قتل رسید. درواکش نسبت به این حکم، بیش از ۱۰۰۰ نفر از اعضای جامعه مسیحی پاکستان دست به تظاهرات زدند. بی نظیر بوتو نخست وزیر پاکستان، حکم دادگاه لاهور را وحشتناک خواند و در عین حال گفت که نمی تواند مداخله کند. به دنبال این سخنان بوتو، روحانیون مسلمان، که دو مسیحی محکوم را به دادگاه کشاندند، بوتو را متهم به بی احترامی به دادگاه کرده، علیه او اقدام دعوا نمودند. بوتو می گوید که می خواهد قانون مربوط به مجازات اعدام برای سخنان کفرآمیز را تغییر دهد.

کشمکش در خاورمیانه در مورد منع گسترش اسلحه اتمی

قرارداد بین المللی منع گسترش سلاح های اتمی، که در بهار آینده مدت اعتبار آن به سر می رسد و باید تمدید شود، باعث کشمکش جدیدی در خاورمیانه شده است. اسرائیل در زمره ۱۷۰ کشور متعهد به اجرای این قرارداد نیست، در حالی که کشورهای عربی، آن را امضا کرده اند. این کشورها اکنون امضای مجدد قرارداد را منوط بدین کرده اند که اسرائیل نیز به این پیمان بپیوندد. مبارک رئیس جمهور مصر گفته است "همان روزی که اسرائیل امضا کند، من هم امضا خواهم کرد." آمریکا به کشورهای عربی فشار وارد می آورد که موضع خود را عوض کنند. در این مورد، جمهوری اسلامی نیز که واشنگتن مدتی است موضوع تلاش های هسته ای آن را محور تبلیغات خود قرار داده است، موضعی مشابه مواضع اعراب دارد.

از سرگیری گفتگو میان عربستان و یمن

به گزارش خبرگزاری رویترز دولت های عربستان و یمن گفتگوهای مربوط به حل اختلاف مرزی را مجدداً از سر گرفتند. در این دیدار معاون نخست وزیر یمن ریاست هیات یمنی و وزیر آموزش و پرورش عربستان ریاست هیات عربستان سعودی را به عهده داشت.

آتش بس بین پرو و کوادور

سه هفته پس از آغاز زد و خورد های مسلحانه بین پرو و کوادور، دو کشور در برزیل قرارداد صلح امضا کردند. از هفته گذشته، بین این دو کشور آمریکای جنوبی آتش بس برقرار شد. قرارداد صلح پرو و کوادور پیش بینی می کند که ۴۰ ناظر به منطقه مرزی بین پرو و کوادور اعزام شوند و در این منطقه، یک حوزه غیرنظامی ایجاد گردد. قرار است تعیین دقیق مرز بین دو کشور که باعث آغاز درگیری شده بود، در مذاکرات جداگانه ای که پس از اجرای قرارداد صلح شروع خواهد شد، انجام گیرد.

گزارش به امضاء کنندگان...

بقیه از صفحه ۸

یادداشت چنین بوده است که "امضای من مشروط به بعضی امضاهاست". این نسبت توهم مجله گردون و کذب محض است. آقای دولت آبادی هیچ گونه دخالت نظری و عملی در امر گردآوری امضاها نداشته است.

اصل نامه ایشان که در جلسه خوانده شده چنین است:

دوست ارجمندم آقای محمد مختاری

نامه "مانویسنده ایم" را امضا می کنم؛ اما در لحظه انتشار حق تجدید نظر را برای خود محفوظ می دارم؛ زیرا محتمل است افرادی که در عرصه نوشتن جدی و پیگیر زیسته اند، امضاهاشان پای این نامه نیاید، و به جایش جمعی از نام ها که هنوز جدی و حرفه ای بودنشان بر جامعه آشکار نشده، پای نامه بیایند. در هر صورت امضای من مشروط است و لازم می بینم این نکته را شما بدانید و به اطلاع دوستان برسانید.

۷۳/۶/۶، محمود دولت آبادی پیدا است که با توجه به امضا های گردآمده مفاد پیشنهاد ایشان تحصیل حاصل بود که باز یادآوری به ایشان نادرده گرفته شد.

معیارهای مراجعه به اشخاص به گزارش ضمیمه رجوع شود، با این همه از قول ایشان (کیهان هوایی، شماره ۱۱۰۹، ص ۲) آمده است:

آقای توپسرکانی که از امضای نامه خودداری کرده افزود: قبل از این که نامه مزبور در داخل کشور انتشار یابد، در بر نامه ماهواره ای بی بی سی به آن پرداخته شده. علاوه بر آن انتشار این نامه در داخل نیز دقیقاً همزمان بود با آمدن کلیتون به منطقه و سفر وی به اردن، سوریه و اسرائیل. از این موارد نمی توان به سادگی گذشت و همگی نشان دهنده این موضوع است که هماهنگی هایی از قبل در داخل و خارج کشور در ارتباط با تدوین نامه صورت گرفته بود.

این اظهارات اگر جعلی نباشد، قطعاً پرونده سازی و تهمت است و قابل تعقیب جزایی. ۱۶- در مجله گردون، شماره ۴۳ ضمن حمله به نحوه عرضه متن و ایراد تهمت هایی علیه گرد آورندگان امضا، که از بیعت این گزارش خارج است، اطلاعات نادرستی ارائه شده است:

الف - درباره علت و سابقه نیامدن نام آقای اسماعیل جمشیدی در جمع امضاها گفته شده است که آقای دولت آبادی به منظور انتقام گیری از آقای جمشیدی یادداشتی در چند خط در اختیار آقای مختاری... قرارداد تادر جمع گرد آورندگان امضا خوانده شود که خوانده شد. مضمون آن

شده و میاحثات داخلی جلسات تحریف گردیده و تصمیم جمعی به یک نفر منتسب شده، مسئولیت آن بر عهده ایشان است.

گفتنی است کل امضاها بی که آقای معروفی به ما تحویل داده است حدود ده امضا است و تعداد ذکر شده در مجله گردون صحت ندارد. البته ایشان در آغاز مراجعه به چهل و چند تن از نویسندگان را تقبل کرده بود که پس از انصراف از ادامه کارسی و چند نام باقیمانده را به ما مسترد داشت تا خود به آنان مراجعه کنیم. همچنین یادآور می شویم که ما صرفاً گرد آورندگان امضا و ارائه کنندگان متن بوده ایم، اصل متن توسط جلسه مشورتی نوشته و تنظیم شده است؛ در نتیجه هرگونه انتساب رهبری و انحصار فعالیت به ما بی اساس و ناشی از توهم اتهام زدنندگان است.

در خاتمه می گویم: ما بخش کوچکی از حضور جمعی امضا کنندگان متن ۱۳۴ نویسنده ایم، و همچنان که در گزارش تصویب شده در جلسه مشورتی نیز گفته ایم، خرسندیم که در حد توان توانسته ایم هماهنگ با اهداف دمکراتیک و صنفی - فرهنگی نویسندگان ایران انجام وظیفه کنیم.

رضا پراهنی، محمد خلیلی، فرج سرکوهی، سیمای کوبان، منصور کوشان، هوشنگ گلشیری، محمد محمد علی، محمد مختاری

۷۳/۱۰/۱۳

زمینه های دیگر به خلق آثار پرداخته اند، تنها نام کسانی را فهرست کردند که به معنای خاص کلمه در هفت رشته مذکور در متن (شعر، داستان، نمایشنامه، فیلمنامه، تحقیق، نقد، ترجمه) نویسنده بودند، یعنی استفاده از اشتباه دوستان دیگر در حرفه های دیگر را مناسب انتشار این متن ندانستند، در حالی که اگر بیانی یا اطلاع عمومی نوشته شد بود، طبیعتاً می توانست بسیاری از نام های مشهور دیگر را نیز دربر گیرد.

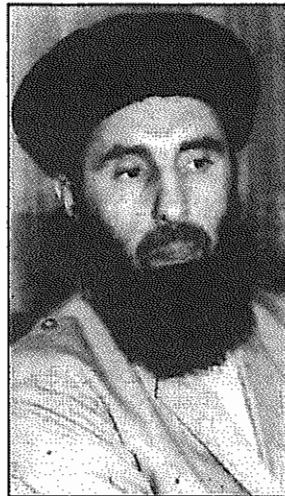
آقای معروفی که با این استدلال و نظر اکثریت جلسه موافق نبود، طی جلسات مختلف بنظر خود یا فشاری می کرد. در یک جلسه نیز که به ایشان پیشنهاد شد، بنا به معیارهای تصویب شده، مسئله امضای آقای جمشیدی برای تصمیم گیری به جلسه مشورتی احاله شود، نپذیرفت. آقای معروفی نه تنها امضای خود را مشروط به امضای آقای جمشیدی کرد، بلکه به فشار و تهدید نیز متوسل شد که "در مجله ام به افشاگری... خواهم پرداخت یا از شمار قابل توجهی از امضا کنندگان خواهم خرواست که امضاهاشان را پس بگیرند" و غیره.

فشار و تهدید آقای معروفی حتی برای یکی دو تنی هم که در جلسات نظر موافق یا ممتنع داشتند، قابل قبول نبود به همین سبب دوسه بار و هر بار یکی دوساعت با ایشان گفتگو کردند، اما فایده نکرد و اگر در مجله گردون این جریان به نادرستی مطرح

ب - گفته شده است: "می گویند: کتاب امضا کنندگان باید تیزر داشته باشد" (ص ۶۲) ما هرگز چنین معیاری نداشته ایم و این امر کذب محض است. در ضمیمه "گزارش به جلسه مشورتی" معیارهای مورد نظر آمده است. تنها چیزی که این جادرباره نام آقای جمشیدی می توانیم بیفزاییم این است که به هنگام فهرست کردن نام نویسندگان، بعضی نام ها مطرح شد که هر یک در حرفه خود معروف و مشهور بودند، مثلاً چند کارگردان که ترجمه یا داستان یا نقد نیز نوشته اند، یا چند نقاش و مجسمه ساز که هر یک در داستان یا شعر آثاری دارند. گروهی از روزنامه نویسان نیز بودند که در گزارش یا زندگینامه یا گردآوری آثار دیگران کتابهایی داشتند. نام آقای جمشیدی (و همچنین نام آقای دهباشی که به همین علت متن به ایشان ارائه نشد) نیز به همراه مجسمه اخیر مطرح شد که متأسفانه ارائه متن به آقای جمشیدی از سوی آقای معروفی پیش از تدقیق معیارها صورت گرفته بود. گرد آورندگان امضا ضمن ادای احترام به همه کسانی که در

پیشروی‌های نظامی "طالبان" در افغانستان

جمهوریک نیروی بنیادگرای سنی تازه



حکمت یار

در جنگ داخلی افغانستان، نیروی جدیدی به نام "طالبان" که توسط طالبان مدارس مذهبی تشکیل شده، به پیشروی‌های نظامی قابل توجهی دست یافته است. هفته گذشته حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمت‌یار، علیرغم تکذیب‌های اولیه، تأیید کرد که استان شرقی لوگاری که از با نگاه‌های اصلی حزب اسلامی بود، توسط "طالبان" تصرف شده است. مولوی عبدالخالق رهبر طالبان که برای نخستین بار نام او در تابستان گذشته به دنبال تصرف استان قندهار توسط این نیرو مطرح شد، در مصاحبه با خبرنگاری جمهوری اسلامی گفت لوگاری که در ۳۰ کیلومتری جنوب کابل است، اکنون در کنترل طالبان قرار دارد. حاج فرید، یکی از سخنگویان حزب اسلامی در پشاور پاکستان، به خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت طالبان با حمایت فعال نیروهای دولت ربانی، شهرپل علم مرکز لوگاری و نیز دو منطقه به لحاظ سوق الجیشی مهم دیگر را تسخیر کرده‌اند. متحدان دیگر طالبان عبارتند از اتحاد اسلامی به رهبری عبدالرسول سیاف و حرکت اسلامی به سرکردگی شیخ آصف حسینی. طالبان همچنین در کابل مواضعی از حزب شیعه وحدت اسلامی را گرفتند. در شب جمعه ۲۸ بهمن، درگیری‌های سختی بین طالبان و حزب وحدت که مورد

حمایت جمهوری اسلامی است صورت گرفت. سرکزی این زد و خورد ها که تا صبح جمعه گذشته ادامه داشت، دو محله کارته سه و ده مازنگ کابل بود. نیروهای وفادار به برهان‌الدین ربانی اخیراً در جنوب کابل، مناطقی را به طالبان که مواضع بنیادگرایانه سنی دارند، واگذار کردند. از آن هنگام تا کنون، شبه نظامیان شیعه در این منطقه تحت فشار قرار گرفته‌اند. در نبردهای هفته گذشته، طالبان از حزب وحدت اسلامی مقادیری سلاح به غنیمت گرفتند. محلات کابل که صحنه نبردها بود، قبلاً تحت کنترل نیروهای حکمت‌یار بود، اما این نیروها به دنبال شکست‌هایی که از طالبان متحمل گردیدند، ناگزیر از ترک منطقه شدند. به دنبال این عقب‌نشینی، نخست برخی از این مواضع به اشغال نیروهای ربانی درآمد و سپس این نیروها جای خود را به طالبان دادند. مناطقی که نیروهای ربانی به طالبان داده‌اند، شامل خیرآباد، پل چرخ و بوگرامی در ۱۵ کیلومتری شرق کابل می‌شود. در مقابل، طالبان قول داده‌اند که به کابل حمله نکنند. رهبران نیروی نوظهور جنگ داخلی افغانستان می‌گویند هدف نظامی بعدی آنها، تصرف مقر مرکزی حکمت‌یار در نزدیکی کابل است. در عین حال هفته گذشته گزارش‌های رسیده از افغانستان،

"مجمع انقلاب اسلامی"، متشکل از حزب اسلامی و نیروهای رشید دوستم بود، این ناحیه را پس بگیرند و به ۱۳ کیلومتری چهارآسیاب برسند. سخنگوی نیروهای ربانی خبر بمباران مکرر چهارآسیاب توسط نیروی هوایی دولت کابل را تأیید کرد. منابع مستقل در افغانستان می‌گویند حکمت‌یار به دنبال نزدیک شدن نیروهای دولتی، چهارآسیاب را ترک کرده است. به موازات ادامه جنگ در افغانستان، تلاش‌های میانجی‌گرانه نیز همچنان صورت می‌گیرد. روز شنبه گذشته (۲۹ بهمن ماه) محمود مستیری مأمور ویژه سازمان ملل برای افغانستان برای مذاکره مجدد پیرامون تحویل قدرت از ربانی به یک دولت موقت، وارد کابل شد. مدت مسئولیت ربانی از ۷ ماه بدین سوبه سر رسیده است. به دنبال حمله به مواضع شیعیان در غرب کابل، سفیر افغانستان در تهران از سوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار شد و علاء‌الدین بروجردی، معاون آسیا و اقیانوسیه این وزارتخانه، نسبت به آنچه جمهوری اسلامی آن را بمباران مردم غرب کابل توسط نیروهای احمد شاه مسعود خوانده است، اعتراض کرد. یک سخنگوی "طالبان" در پشاور گفت این نیروها در بمباران غرب کابل شرکت نداشته‌اند.

برادران و فامیل‌های آنها به گروه‌های زیرزمینی مقاومت می‌پیوندند. علاوه بر این‌ها چند حزب دموکرات موجود در آنجا نیز ضعیف تر از آن هستند که بتوانند جلو طغیان قهر را بگیرند. س: آیا جبهه اسلامی نجات کنترلی روی گروه‌های مبارز دارد؟ ج: نه، رهبران FIS (جبهه اسلامی نجات) که با درزندان ویا در تبعید هستند هیچ نفوذی روی گروه‌های رادیکال مثل GIA (گروه اسلامی مسلح) ندارند. تمام خلق الجزایر بر اوضاع همزمان گروگان رهبران مستبد حکومتی و گروه‌های مسلح مذهبی می‌باشند بدون اینکه بتوانند صدای اعتراضشان را بلند کنند. س: آیا عملیات نظامی در الجزایر و سایر جابجاها می‌تواند جلوی پیشروی بنیادگرایان را سد کنند؟ ج: بزحمت. در دراز مدت کشورهایی مثل الجزایر باید به صف کشورهای بین‌المللی بپیوندند. جوانان باید کار داشته باشند تا به وسیله آن بتوانند برای خود دوباره اعتباری پیدا کنند و به خودشان با ارزشهای دیگری غیر از اسلام رادیکال، هویت بخشند. س: آیا شما فکر میکنید که الجزایر بتواند این مشکل را پشت سر بگذارد؟ ج: وضعیت کنونی حالت بن بست را دارد. ارتش نمی‌تواند اسلامی‌ها را شکست دهد. جبهه اسلامی نجات خود چند تکه شده است و وضعیت تر از آنست که رژیم را ببندازد. حکومت و اسلامی‌ها را بر سر مذاکره کشاندن ممکن به نظر نمی‌رسد. انتخابات آزاد را هم نمی‌توان برگزار کرد.

خلقی در گروگان



خواهد بود که دین اسلام را بطور کلی مقصر جلوه دهیم. اتهامات بی‌وقفه به اسلام فقط زمینه‌های بیشتری برای رشد بنیادگرایان ایجاد میکند. س: دعواهای افراتیون بر سر دین است یا بر سر قبضه کردن قدرت سیاسی؟ ج: آنها زبان مذهب را بکار می‌گیرند چون بوسیله آن می‌توانند به مردم بهتر نزدیک شوند و نسل‌نا امید حالا جذب آنها میشوند نسلی که استعمار را خودشان ندیده‌اند. آنها متاثر از جامعه اسلامی تشکیل شده در سال ۱۹۶۸ در مصر، خواهان جامعه‌ای هستند که بر اساس قوانین اسلامی و شریعت اداره شود.

پروفسور Kepel استاد دانشگاه انستیتو علمی CNRS و مؤلف سلسله مقالاتی در مورد توسعه طلبی اسلام در مصاحبه ای با روزنامه اسپیکل در مورد اوضاع الجزایر به یک سری سؤالات مطرح امروزه پاسخ داده است: س: آیا افراتیون الجزایری با هواپیمایایی اخیر به فرانسه ویا بطور کلی به اروپا اعلان جنگ دادند؟ ج: جنگ داخلی الجزایر تا به اروپا گسترش یافته. بنیادگرایان میخواهند پای فرانسه را هم به این جنگ بکشند. آنها به پاریس بعنوان نماینده غرب می‌نگرند که وضع موجود در الجزایر را به روی کار آمدن FIS (جبهه اسلامی نجات) ترجیح دادند. س: پس پای فرانسه هم به جنگ کشیده شده است؟ ج: بله، برای اولین بار نیروی نظامی فرانسه (ژاندارمری و واحدهای ضد ترور که زیر نظر وزارت دفاع هستند) چهار نفر از جنگجویان اسلامی را کشتند. آنها در الجزایر در مناطق فقیرنشین آن و از نظر خیلی از جوانان به عنوان شهید مورد تجلیل قرار می‌گیرند. س: آیا این وجود هم نیاید اسلام را بعنوان تهدیدی برای غرب شناخت؟ ج: درست نیست که ما دین اسلام را با حرکات قهر آمیزی بگیریم و مکتب محمد را بعنوان مجموعه‌ای پیامهای انقلابی تلقی کنیم، اکثریت عظیم مسلمانان (تقریباً یک میلیارد نفر) انسانهای صلح دوستی هستند مثل توده‌های وسیع مسیحی. اشتباه بزرگی

ادامه‌ی درگیری‌های هادر کردستان عراق

میهنی خیرداد که در این درگیری‌ها به نیروهای غیر نظامی نیز آسیب وارد شده است. به نوشته‌ی روزنامه‌های ایران به نقل از منابع کرد عراق، شدت گرفتن درگیری‌ها در شمال عراق موجب شده است که تعداد دیگری از سازمان‌های خیریه بین‌المللی فعالیت‌های کمک‌رسانی خود را به کردها به حالت تعلیق در آورند. توقف این فعالیت‌ها تا ثبات سونی بویژه در امر بهداشت و درمان کردهای شمال عراق بجا گذاشته است. این سازمان‌ها از سرگیری فعالیت‌های خود را به برقراری آرامش کامل در کردستان مشروط کرده‌اند. جمهوری اسلامی: با حکومت کردی مخالفیم محمدرضا باقری سفیر ایران در آنکارا در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی اعلام کرد که جمهوری اسلامی به هیچ وجه اجازه نخواهد داد دولت کرد در شمال عراق تأسیس شود. وی گفت که دولت‌های ایران، ترکیه و سوریه شدیداً با تشکیل دولت کرد در منطقه مخالف هستند به گفته‌ی وی قرار است مقامات وزارت خارجه‌ی سه کشور در راه آینده برای بررسی تحولات شمال عراق در تهران تشکیل جلسه دهند.

تمدید موافقتنامه‌ی آتش بس تاجیکستان

دور چهارم مذاکرات صلح تاجیکستان ادامه دهد. پطروس غالی اخیراً در گزارش خود پیرامون اوضاع تاجیکستان اظهار داشت که دولت تاجیکستان و احزاب مخالف بر سر تمدید آتش بس و تداوم روند رفع اختلافات از راه مذاکرات سیاسی که دو شرط از سه شرط مطروحه در قطعنامه‌ی ۹۶۸ شورای امنیت می‌باشد، توافق دارند اما اجرای شرط سوم که برگزاری دورانی مذاکرات صلح می‌باشد به خاطر مخالفت احزاب مخالف دولت تاجیکستان با برگزاری آن در مسکونا کنون به تعویق افتاده است.

هزینه نظامی سرسام آور کشورهای عرب

بر اساس گزارش مشترکی که توسط صندوق پولی عرب و سازمان کشورهای عرب صادر کننده‌ی نفت و صندوق عرب برای توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی تهیه شده است هزینه‌ی خریدهای نظامی، مخارج امنیتی و دستمزد پرسنل نیروهای نظامی و پلیس بیش از نیمی از کل بودجه‌ی برخی از کشورهای عرب از جمله عربستان و سایر کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس را تشکیل

توافق‌های جدید عرفات و رابین

به دنبال ناکامی اجلاس قاهره سران مصر، فلسطین، اردن و اسرائیل در شکستن بن‌بست مذاکرات اسرائیل و حکومت خودمختار فلسطین، اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل و یاسر عرفات رئیس حکومت خودمختار فلسطینی، دوباره یکدیگر در مرز نوار غزه و اسرائیل با یکدیگر دیدار کردند. در حالی که دیدار نخست، که دو هفته پیش